



دهسپاران زندان

بازداشت سارکوزی و صدور حکم جلب جان بولتون



ناگهان فروپاشی

نگاهی به نمایش رامسس دوم



پایبندی به شعار

پاسخ دولت به ستاد امر به معروف درباره حجاب

## خطر خط فقر

سختگوی دولت اعلام کرد: خط فقر برای هر فرد ۶ میلیون و ۱۲۸ هزار تومان است  
سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است



یادداشت روز

## انتظاراتی که داریم

خدمت به مردم و لحاظ منافع پزشکان  
بر وابستگی‌های سیاسی اولویت دارد



فرزانه ترکان

عضو شورای مرکزی و معاون فرهنگی  
دبیرکل حزب کارگران سازندگی ایران

بازسازی شأن پزشکی در جامعه نظام پزشکی نه تنها پایان یک رقابت بلکه آغاز یک برنامه بلندمدت است که جامعه پزشکی باید برای احیای احترام و شأن خود تلاش کند. سوالات زیادی در این میان مطرح است که پزشکان در میانه تضادها قرار دارند؛ از یک‌سو باید شأن علمی خود را حفظ کنند اما از سوی دیگر فشارهای اقتصادی را نیز تحمل نمایند. آنها در تقابل میان رسالت انسانی و منطقی بازار قرار دارند و در واقع در شرایطی گرفتار شده‌اند که رسانه‌ها گاهی به بهانه‌های مختلف به جامعه پزشکی ضربه می‌زنند. اگرچه ممکن است موضوعات در این زمینه نادر باشد اما هر بار که چنین مواردی اتفاق می‌افتد، احترام پزشکی زیر سوال می‌رود. نظام پزشکی باید خواستار مؤثر بودن باشد و این تأثیرگذاری باید فراتر از یک نقش اداری باشد. این نهاد باید به یک مرکز وجدان جمعی تبدیل شود، جایی که صدای پزشک، بیمار و حقیقت در گفت‌وگویی مستمر مینا پیدا کند. در این راستا آنچه که جامعه پزشکی به آن نیاز دارد، ایجاد معنای جدید و ساخت یک فرهنگ مشترک است که تمامی پزشکان را از تمامی سلاقی و تخصص‌ها گرد هم آورد و به احیای جامعه پزشکی کمک کند. در حال حاضر، پزشکان ایرانی در بسیاری از موارد با فقر مادی دست و پنجه نرم می‌کنند. اما نکته قابل توجه این است که این فقر مادی در کنار فقر معنوی و کمبود اعتماد اجتماعی به جامعه پزشکی بیشتر خود را نشان می‌دهد. جامعه نظام پزشکی باید مفهوم اعتماد را بازتعریف کند. این اعتماد باید هم شامل پزشک به ساختار باشد و هم شامل اعتماد جامعه به پزشکان. هیچ برنامه‌ای برای ماندگاری پزشکان در کشور نمی‌تواند موفق باشد مگر اینکه کرامت جامعه پزشکی از سوی مراکز تصمیم‌گیری به آن بازگردانده شود. این کرامت تنها به معنای حمایت معنوی نیست بلکه تأمین مالی نیز می‌تواند، احساس کرامت را به پزشکان بازگرداند. پزشکانی که در شرایطی نادر ممکن است مجبور به دریافت هزینه‌های خارج از تعرفه‌ها و از بیماران باشند، اگر احساس کنند که تأمین مالی کافی دارند قطعاً کمتر به سمت تخطی از قوانین می‌روند. علاوه بر این باید احساس احترام به جامعه پزشکی بازگردد. اعتماد مردم هنگامی برقرار می‌شود که پزشکان احساس کنند که عدالت در سیستم پزشکی برقرار است و بر اساس این عدالت، قادر به حفظ کرامت خود هستند. نظام پزشکی به عنوان نهاد حامی پزشکان باید تلاش کند تا نه تنها تأمین مالی بلکه تأمین معنوی اعضای خود را نیز فراهم آورد. در حالی که رقابت‌های تخصصی ممکن است گاهی ایجاد تنش کنند باید تمام پزشکان حول یک محور مشترک جمع شوند و وجدان جمعی جامعه پزشکی بیدار شود. اینکه تنها شعار خدمت به مردم نباشد بلکه حفظ احترام و کرامت پزشکی نیز در اولویت قرار گیرد باید در دستور کار قرار گیرد. در این راستا، نظام پزشکی باید به جامعه پزشکی، آینه‌ای از اخلاق جمعی نشان دهد. این زمان فرصت خوبی برای تحقق این امر است. یکی از نکات مهمی که قبل از انتخابات و پس از آن مطرح شد، موضوع عدم برگزاری انتخابات به صورت الکترونیکی است. در شرایطی که جامعه پزشکی افراد فرهیخته‌ای هستند، برگزاری انتخابات به روش الکترونیکی می‌توانست مشارکت بیشتری را جذب کند. متأسفانه نظام پزشکی در این دوره از برگزاری انتخابات به صورت الکترونیکی پرهیز کرد و وزارت بهداشت نیز در این زمینه منفعل عمل کرد. در شرایطی که درگیری‌ها به کمتر از یک‌پنجم جامعه پزشکی محدود شده است بسیاری از افراد اصلاً به صورت حضوری به صندوق‌های رأی نرفتند و روش الکترونیکی می‌توانست، مشارکت بیشتری را جلب کند. این سوال مطرح است که چرا جناح حاکم بر نظام پزشکی به مشارکت جدی علاقه‌ای نداشته است. قطعاً زمانی که مشارکت بالا می‌رود، سلیقه‌های مختلف به میدان می‌آیند و نمایندگان پرشماتر و برطرقدارتر وارد عرصه خواهند شد. امید است که گروه جدید تلاش کند تا جدای از وابستگی‌های سیاسی، خدمت به جامعه پزشکی و مردم را در اولویت قرار دهد. انتظار می‌رود که وزیر بهداشت و طبقه حاکم بر وزارت بهداشت با حمایت جدی از انتخابات الکترونیکی در آینده به مشارکت بیشتر و حفظ منافع پزشکان توجه کنند.

## ادغام آینده در ملی

بانک مرکزی قصد دارد با استفاده از تجربه مثبت ادغام موسسه اعتباری نور در بانک ملی،  
**بانک آینده** را نیز در این بانک ملی ادغام کند



جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

همین روزها درباره بانک آینده خبرهایی می‌شنوید که پیش‌خبرش را دیروز رئیس‌قوه قضائیه اعلام کرد. غلامحسین محسنی‌اژه‌ای دیروز گفت: «در مورد پرونده بانک آینده چهار سال است دارم فشار می‌آورم که بانک مرکزی وظایف و اختیارات دارد و باید به وضعیت این بانک رسیدگی کند. وی افزود: «رئیس کل بانک مرکزی در جلسات قبول کرد که در موضوع بانک آینده، اختیار صددرصدی دارد. به آقای فرزین گفتم اگر در این مورد از اختیارات استفاده نکنی، متعرض شما خواهم شد».

## تصمیم بانک مرکزی چیست؟

به نظر می‌رسد، بانک مرکزی قصد دارد با استفاده از تجربه مثبت ادغام موسسه اعتباری نور در بانک ملی،

هدف اصلاح ساختار مالی، کاهش ریسک‌های سیستمی و حفاظت از منافع سپرده‌گذاران صورت گرفت. موسسه نور که به دلیل مشکلات مالی، ناکارآمدی مدیریتی و عدم رعایت استانداردهای نظارتی با چالش‌های جدی مواجه شده بود، در

بانک آینده را نیز در این بانک ادغام کند. ادغام موسسه مالی و اعتباری نور در بانک ملی ایران، نمونه‌ای موفق از مدیریت چالش‌های مالی و ساماندهی موسسات زیان‌ده در نظام بانکی کشور است. این فرآیند که در سال‌های اخیر به انجام رسید با

بانک آینده

دیدگاه: یادداشت سیاسی

## مرز ناپیدای حریم

حریم خصوصی فقط برای «خودی‌ها» مقدس نیست



عاطفه شمس

گروه سیاسی

حفظ حریم خصوصی فقط زمانی معنا ندارد که پای «ما» در میان باشد. این حق از بنیاد انسانی‌ترین اصول زندگی اجتماعی است و باید برای همه، بی‌قید و شرط محترم شمرده شود؛ چه آنکه از جناح ما باشد، چه از جناح مقابل. جامعه‌ای که حریم خصوصی را مشروط به تعلق سیاسی کند، در واقع اخلاق عمومی را نادیده گرفته است.

در روزهای اخیر، ویدیوئی خصوصی از مراسم عروسی دختر علی شمشانی در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست شد که ارتباطی با مسئولیت‌های عمومی او نداشت و به‌روشنی مصداق نقض حریم خصوصی بود. بلافاصله پس از انتشار، برخی رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی اصولگرا از ضرورت «صیانت از حریم خصوصی» گفتند و افشای این ویدیو را عملی غیراخلاقی دانستند. سخنی درست و بجا؛ اما نکته اینجاست که چرا چنین حساسیتی تنها زمانی بروز می‌کند که قربانی از میان خودشان است؟

همین طیف از رسانه‌ها سال‌ها پیش، در ماجرای انتشار تصاویری منتسب به مینو خالقی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب که منجر به رد صلاحیت او در انتخابات مجلس – آن هم پس از انتخاب شدن از سوی مردم – شد، نه‌تنها مدافع حریم خصوصی نبودند بلکه همان تصاویر را مبنای حمله سیاسی و تخریب شخصیت او قرار دادند. کسی از حق زندگی شخصی سخن نگفت، هیچ مجازاتی برای افشاگران مطالبه نشد و همان رسانه‌هایی که امروز از اخلاق و قانون دم می‌زنند، در آن روزها سکوت یا حتی همراهی کردند. نتیجه آن هم حذف یک زن از مسیر سیاسی‌اش شد و تکرار زخم عمیق بی‌اعتمادی به بی‌طرفی رسانه‌ای.

تناقض در دفاع از حریم خصوصی، یکی از نشانه‌های ضعف اخلاق سیاسی ماست. وقتی رسانه‌ها و فعالان سیاسی، دفاع از این حق را بر اساس مصلحت جناحی تنظیم می‌کنند، دیگر نمی‌توان از اخلاق حرفه‌ای سخن گفت. حریم خصوصی، یک قاعده مطلق است نه نسبی؛ همان‌گونه که هیچ انسانی سزاوار تعرض و تحقیر در زندگی شخصی‌اش نیست، هیچ جناحی نیز حق ندارد آن را ابزار تسویه‌حساب سیاسی کند. در جامعه‌ای که مرز میان امر عمومی و خصوصی به آسانی جابه‌جا می‌شود، امنیت روانی همه در خطر است. امروز نوبت شمشانی است، فردا ممکن است نوبت دیگری باشد؛ شاید خبرنگاری، هنرمندی یا فعال اجتماعی‌ای که به هر دلیل در تیررس دشمنی قرار گرفته است. وقتی مرزها فرو بریزد، هیچ ضمانتی وجود ندارد که فردا، «ما» از تعرض در امان بمانیم.

نکته دیگر آنکه دفاع از حریم خصوصی به معنای نادیده گرفتن مسئولیت عمومی نیست. اگر فردی در جایگاه حکمرانی خطایی کرده یا فساد مالی و سیاسی مرتکب شده، افشای آن در چارچوب قانون و با رعایت اصول حرفه‌ای رسانه، مجاز و حتی لازم است اما زندگی خانوادگی، مراسم شخصی یا تصاویر خصوصی افراد، جزئی از حوزه عمومی نیستند. قضاوت درباره آنان با انتشار تکه‌ای از زندگی‌شان، نه حقیقت را روشن می‌کند و نه عدالت را پیش می‌برد بلکه فقط به بی‌اعتمادی و شکاف اخلاقی دامن می‌زند.

مسئولیت رسانه‌ها در این میان بیش از همه است. رسانه اگر بخواهد پایگاه اعتبار عمومی بماند باید در دفاع از اصول حرفه‌ای بی‌طرف باشد. نمی‌شود روزی به بهانه افشاگری، حریم خصوصی یک مخالف را بشکنند و روز دیگر همان عمل را محکوم کند چون به یکی از خودی‌ها آسیب رسانده است. صداقت رسانه‌ای یعنی برخورد یکسان با همه، بی‌توجه به نام و گرایش سیاسی. حفظ حریم خصوصی بیش از آنکه مساله‌ای حقوقی باشد، نشانه بلوغ فرهنگی جامعه است؛ مردمی که می‌دانند مرز زندگی دیگران کجاست.

اگر قرار است از اخلاق در رسانه و سیاست سخن بگویم، نخست باید این قاعده را بپذیریم: حریم خصوصی خط قرمز مشترک همه ماست و هر گروهی که کرامت انسانی را به رنگ جناح‌ها تقسیم کند، دیر یا زود قربانی بی‌رحمی خود خواهد شد. امروز وقت آن است که همه جریان‌های سیاسی از این چرخه تکرار شوند، فاصله بگیرند. دفاع از حریم خصوصی نباید تاکتیکی برای روزهای سخت باشد بلکه باید اصلی همیشگی در رفتار رسانه‌ای و سیاسی ما شود، از هر جناح و در هر موقعیت. زیرا اگر قرار باشد حریم خصوصی فقط برای «ما» محترم باشد، دیگر حریمی برای کسی باقی نمی‌ماند.

## در نشست صمیمی رئیس‌جمهور با فعالان اقتصادی و اعضای اتاق بازرگانی ایران مطرح شد

# اقتصاد ایران در تله نفت

**گروه سیاسی:** نشست روز گذشته مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، با اعضای اتاق بازرگانی ایران بیش از هر چیز بر همکاری دولت و بخش خصوصی، حذف مقررات زائد، توقف قیمت‌گذاری دستوری و بازنگری در سیاست‌های ارزی متمرکز بود. در این نشست، مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها و درخواست‌ها از سوی فعالان اقتصادی و مقامات دولتی مطرح شد و پیام مشترک همه سخنرانان این بود که برای عبور از تحریم‌ها و فشارهای خارجی باید از ظرفیت داخلی، صادرات، غیرنفتی و سرمایه‌گذاری ایرانیان داخل و خارج از کشور حداکثر استفاده را برد.

رئیس‌جمهور در این نشست تأکید کرد که هدف غرب از فعال‌سازی مکانیسم «اسنپ‌بک» محدود کردن فروش نفت ایران است. او گفت که با وجود منابع عظیم انرژی، کشور باید با سرعت بیشتری مسیر توسعه را طی کند و رشد صادرات، نشانه‌ای از فاصله گرفتن از اقتصاد نفتی است.

پزشکیان با بیان اینکه دولت چهاردهم، آمادگی کامل دارد تا مشکلات صادرکنندگان را حل‌وفصل و بستر مناسبی را برای رشد صادرات ایجاد کند، افزود: «دولت وظیفه خود می‌داند، شرایط را برای صادرکنندگان تسهیل کند. دیپلماسی اقتصادی با همسایگان فرصتی کم‌ظئیر برای سرمایه‌گذاری و صادرات فراهم کرده است». او از صادرکنندگان خواست تمام تلاش خود را به کار بگیرند تا رشد صادرات افزایش پیدا کند و گفت: «تمام دغدغه دولت تأمین معیشت مردم است. همه دست در دست یکدیگر بگذاریم تا مشکلات مردم حل شود.» و ادامه داد: «تمام تلاش سران قوا، تسهیل روند کاری صادرکنندگان و تجار است. صادرکنندگان در انتخاب کالای صادراتی خود دقت لازم را داشته باشند که از کیفیت مناسبی برخوردار باشند». رئیس‌جمهور با بیان اینکه کیفیت نامناسب برای کالاهای صادراتی از سوی صادرکنندگان سبب می‌شود تا اعتماد همسایگان از بین برود، تأکید کرد: «محصول ایرانی را با بهترین کیفیت به همسایگان عرضه کنید. از طرح‌ها و تجربیات صادرکنندگان در مولدسازی استقبال می‌کنیم».

وی با اشاره به تشکیل «پنجره واحد» در اکوسیستم اقتصادی کشور گفت: «دولت به دنبال ایجاد پنجره واحد در اکو سیستم‌هاست. از طرح‌ها و تجربیات صادرکنندگان هم در این زمینه استقبال می‌کنیم. تیم مشخصی برای مولدسازی تشکیل می‌شود تا نواقص گذشته، رفع و تجربه‌های موفق تقویت شود». رئیس‌جمهور خاطرنشان کرد که قسوه قضاییه و مجلس نیز در مسیر تسهیل صادرات هم‌نظر و آماده همکاری هستند و باید همه ظرفیت‌ها برای تأمین معیشت مردم و رشد اشتغال به کار گرفته شود.

علی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصادی و دارایی نیز از تدوین برنامه‌ای کوتاه‌مدت برای بهبود وضعیت اقتصادی خبر داد که محورهای اصلی آن شامل اصلاح بودجه، ساماندهی گمرکات،

### احزاب

سرعت‌بخشی به ترخیص کالا و حفظ اشتغال بنگاه‌های کوچک و متوسط است. او گفت: «در چارچوب این برنامه، ابزارهای جدید مالی در بورس کالا معرفی خواهد شد تا مسیر سرمایه‌گذاری خارجی و صادرات‌محور هموارتر شود». مدنی‌زاده از فعالیت کمیته‌های تخصصی شورای گفت‌وگو برای شناسایی قوانین مزاحم و استفاده از ظرفیت هیات مقررات‌زایی جهت حذف آنها خبر داد. وی همچنین تأکید کرد: «بر اساس قانون برنامه هفتم توسعه باید به روند قیمت‌گذاری دستوری پایان دهیم تا بازار با سازوکار طبیعی خود تنظیم شود».

محمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت از تداوم رشد صادرات غیرنفتی طی ۳ سال اخیر سخن گفت و اعلام کرد که بسیاری از تفاهم‌نامه‌های تجاری ایران با کشورهای منطقه به قرارداد اجرایی تبدیل شده‌اند. او با اشاره به توافقاتی که در عمان، پاکستان و اوراسیا، پاکستان و عمان، این اقدامات را زمینه‌ساز توسعه



صادرات دانست. اتابک افزود: «با توافق بانک مرکزی، تمرکز تسهیلات بانکی بر واحدهای کوچک و متوسط قرار گرفته است؛ زیرا واحدهای بزرگ توان تأمین منابع خود را دارند اما SMEها نیازمند حمایت هستند». او از تصویب قانون تجارت ملوانی و کوله‌بری برای ساماندهی این بخش خبر داد و گفت، عایدی کشور از اجرای این قانون حدود ۱۰۰۰ میلیارد تومان بوده است. غلامرضا نوری‌قلیچ، وزیر جهاد کشاورزی از بهبود تراز تجاری این بخش از منفی ۱۱ میلیارد دلار به منفی ۸ میلیارد دلار و رشد ۳۲ درصدی صادرات محصولات کشاورزی در یک سال گذشته خبر داد. وی با اشاره به قانون تهاثر کالا با پاکستان گفت: «این قانون فرصت جدیدی برای تجارت کالا به کالا و کاهش وابستگی ارزی فراهم کرده است». نوری‌قلیچ تأکید کرد که هیچ تصمیمی در حوزه دیپلماسی اقتصادی بدون مشورت بخش خصوصی اتخاذ نمی‌شود و شورای گفت‌وگو، بستری کارآمد برای هماهنگی دولت و بخش خصوصی است.

محمدرضا فرزین، رئیس‌کل بانک مرکزی هم از طراحی مدل جدیدی برای توسعه صادرات در بخش‌های معدن و پتروشیمی خبر داد و گفت: «با مشارکت بخش خصوصی تصمیم گرفتیم چند کالا را به بازار دوم منتقل کنیم». او همچنین از فراهم شدن شرایط فروش شرکت‌های تملیکی بانک‌ها به بخش خصوصی

خبر داد و گفت این واگذاری‌ها حتی به صورت اقساطی امکان‌پذیر است.

### ضرورت چاپک‌سازی دولت

صمد حسن‌زاده، رئیس اتاق بازرگانی ایران گفت که صادرکنندگان «چراغ اقتصاد کشور» را روشن نگه داشته‌اند. او با انتقاد از رفتار برخی کشورها نسبت به ایران افزود: «دولت‌های بی‌سابقه فرهنگی و تمدنی برای ایران نسخه توسعه می‌نویسند؛ این گستاخی‌ها باید متوقف شود». حسن‌زاده از اراده دولت برای کوچک‌سازی و چاپک‌سازی حمایت کرد و خواستار اصلاح تدریجی نرخ ارز ترجیحی و بررسی دقیق قیمت حامل‌های انرژی شد. او همچنین تأکید کرد باید زمینه بازگشت سرمایه ایرانیان خارج از کشور با امنیت و اطمینان فراهم شود.

پیام باقری، نایب‌رئیس اتاق ایران نیز با اشاره به تجربه جنگ ۱۲ روزه گفت: «در آن دوران، چاپکی کشور افزایش یافت چون دیوان‌سالاری محدود شد». او دولت را بزرگ و پرهزینه دانست و افزود: «بروکراسی سنگین، بزرگ‌ترین مانع توسعه است». باقری تصریح کرد که بودجه سالانه دیگر ابزار توسعه نیست بلکه تنها هزینه‌های جاری دولت را تأمین می‌کند، در حالی که فشار مالیاتی تنها بر دوش بخش خصوصی واقعی است.

محمد لاهوتی، رئیس کمیسیون توسعه صادرات با انتقاد از پیمان‌سپاری ارزی گفت: «از سال ۱۳۹۷ همه بازیگران تجارت از این سیاست ناراضی‌اند و این نشانه ناکارآمدی آن است». او افزود: «تعدد سامانه‌ها و مقررات سخت‌گیرانه، بستر فساد را فراهم کرده است و تا زمانی که قوانین زائد حذف نشود، مسیر صادرات بهبود نمی‌یابد». او همچنین در بخشی از سخنانش خطاب به پزشک‌یکان که گفت: «من نباید بگذارم مردم مشکل معیشتی پیدا بکنند شما هم باید کمک کنید تا نگذاریم مردم مشکل معیشتی پیدا کنند؛ زیرا اگر مردم مشکل معیشتی پیدا کنند، شما نمی‌توانید به‌درستی کار کنید» گفت: «برطرف کردن تحریم‌های داخلی با شما، دور زدن تحریم‌های خارجی با ما».

محمود نجفی‌عرب، رئیس اتاق بازرگانی تهران نیز خواستار توقف قیمت‌گذاری دستوری شد و گفت: «این سیاست انگیزه تولید را کاهش و رانت را افزایش داده است». او همچنین ایجاد سامانه‌های جزیره‌ای را آفت اقتصاد دانست و پیشنهاد کرد «پنجره واحد» برای ارائه خدمات دولتی به فعالان اقتصادی ایجاد شود. نجفی‌عرب تأکید کرد تصمیمات اقتصادی نباید با نگاه امنیتی اتخاذ شود زیرا چنین رویکردی «نااطمینانی در فضای سرمایه‌گذاری» ایجاد می‌کند.

در مجموع، تأکید رئیس‌جمهور بر کیفیت صادرات، وزرای اقتصادی بر چاپک‌سازی دولت و جذب سرمایه و بخش خصوصی بر رفع موانع بروکراتیک و ثبات سیاست‌ها در این نشست، تصویری از تلاش برای ترسیم مسیر تازه‌ای در تعامل دولت و اقتصاد واقعی کشور ارائه داد.

این رویه نشان می‌دهد یک جریان سیاسی آگاهانه و عمدی درصدد است، مردم را از همه نیروهای سیاسی داخلی مأیوس کرده و مرجعیت سیاسی را به خارج کشور سوق دهد.

اعضای شورای سیاسی حزب مجمع ایثارگران، نشانه کارآمدی یک نظام سیاسی را در به رسمیت شناختن حق مخالف در کشور دانسته و تأکید کردند، اصلاح‌طلبان برای ایجاد تحولات ضروری، نگاه به درون دارند و خواست مردم را بی‌می‌گیرند.

در بخش پایانی جلسه، اعضای شورای سیاسی این حزب با انتقاد از عملکرد دولت اعلام کردند که با رویه موجود دولت، تمامی نارسایی‌ها به نام دولت آقای پزشک‌یکان – که برآمده از حمایت اصلاح‌طلبان است – ثبت خواهد شد. آنان هشدار دادند که اگر دولت ابتکار عمل را در دست نگیرد، تصمیمات لازم را اتخاذ نکند و به توصیه‌های کارشناسی بی‌توجه بماند، کشور با بحران‌های جدی‌تری مواجه خواهد شد.

اعضای حاضر در این جلسه از رئیس‌جمهور خواستند هرچه سریع‌تر بر پایه گزارش‌های کارشناسی موجود، راهکارهای عملی برای برون‌رفت از وضعیت کنونی را تدوین و اجرا کند چراکه تداوم انفعال و فقدان تصمیم‌گیری می‌تواند، لطمه‌ای جدی و جبران‌ناپذیر به اعتبار دولت، اصلاح‌طلبان و منافع ملی وارد کند.

# هشدار ایثارگران به دولت

## انفعال، اعتبار دولت را تهدید می‌کند

**گروه سیاسی:** اعضای شورای سیاسی حزب مجمع ایثارگران از رئیس‌جمهور خواستند هرچه سریع‌تر بر پایه گزارش‌های کارشناسی موجود، راهکارهای عملی برای برون‌رفت از وضعیت کنونی را تدوین و اجرا کند چراکه تداوم انفعال و فقدان تصمیم‌گیری می‌تواند، لطمه‌ای جدی و جبران‌ناپذیر به اعتبار دولت، اصلاح‌طلبان و منافع ملی وارد کند.

اعضای شورای سیاسی مجمع ایثارگران در جلسه خود با ابراز نگرانی نسبت به وضعیت کشور پس از اجرای «اسنپ‌بک»، تأکید کردند: انفعال و فقدان تصمیم‌گیری مؤثر از مهم‌ترین عوامل تداوم شرایط فعلی است.

اعضای این حزب همچنین با انتقاد از برخی اقدامات جریان‌های تندرو – از جمله طرح بازگشت گشت ارشاد، توقیف خودروها و پلمپ کسب‌وکارها – این رفتارها را ناشی از جهل، تعصب و بحران‌آفرینی اقلیتی دانستند که کوچک‌ترین توجهی به ثبات، توسعه کشور و رضایت مردم ندارند.

شورای سیاسی مجمع ایثارگران با ابراز تأسف از فرصت‌های از دست رفته در عرصه دیپلماتیک اعلام کرد: اگر در مقاطع حساس، تصمیمات صحیح اتخاذ و به نظرات دلسوزان و کارشناسان توجه می‌شد با وجود دشمنی‌ها و کارشکنی‌های لابی‌های صهیونیستی، امکان به ثمر رسیدن برجام و توافق با غرب وجود داشت؛ مشروط بر آنکه تدروهای داخلی نیز هم‌سو با دشمنان در مسیر توافق مانع‌تراشی نمی‌کردند.

اعضا همچنین با ابراز نگرانی از وضعیت معیشتی مردم، به‌ویژه در حوزه مسکن و هزینه‌های سنگین بهداشت و درمان، تأکید کردند که تحمل این شرایط برای اقشار مختلف جامعه دشوار شده و با تشدید تحریم‌ها، فشارها به طور طبیعی افزایش خواهد یافت.

شورای سیاسی حزب مجمع ایثارگران با اعتراض به سخت‌گیری غیرقانونی نسبت به احزاب و فعالان سیاسی و منتقدان و زندانی شدن چهره‌های جدید منتقد، تأکید کرد که

# تقابل تهران - ورشو

## عراقچی لهستان را به تبادل اسناد دعوت کرد

**ابوالفضل خدایی**

گروه بین‌الملل



نمایش جنجالی یک پهپاد سرنگون شده در قلب پارلمان بریتانیا به کانون یک تنش دیپلماتیک شدید میان ایران و لهستان تبدیل شده است. این پهپاد که گفته می‌شود، نسخه روسی «شاهد ۱۳۶» است توسط ورشو به عنوان سند دخالت نظامی تهران در جنگ اوکراین معرفی شد، ادعایی که بلافاصله با احضار سفیر لهستان و واکنش‌های تند متقابل در شبکه‌های اجتماعی پاسخ داده شد.

ماجرا از سخنرانی رادوسواف سیکورسکی، وزیر خارجه لهستان در گردهمایی «سازمان اتحاد علیه ایران هسته‌ای» در پارلمان بریتانیا آغاز شد. او در این مراسم، یک نمونه از پهپاد سرنگون شده «گران ۲» (نسخه روسی شاهد ۱۳۶) را به نمایش گذاشت و ایران را متهم کرد که با فروش این تسلیحات به مسکو به «ایجاد رعب و وحشت» در اوکراین و تجاوز به حریم هوایی لهستان کمک می‌کند. لهستان، که از پشتیبانی ناتو برخوردار است، ادعا می‌کند این پهپادها بارها حریم هوایی‌اش را نقض کرده‌اند و نمایش آن در لندن، تلاشی برای بین‌المللی کردن این ادعا بود.

**جهان**

## رهسپاران زندان

### سارکوزی، رئیس‌جمهور سابق فرانسه بازداشت و حکم جلب جان بولتون صادر شد

در یکی از بی‌سابقه‌ترین روزهای تاریخ معاصر فرانسه، نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور پیشین این کشور، روز سه‌شنبه ۲۹ اکتبر (۲۹ مهر) برای اجرای حکم ۵ سال حبس خود وارد زندان مشهور «لا سائته» در پاریس شد. این اتفاق که برای نخستین‌بار در تاریخ جمهوری فرانسه رخ می‌دهد نه‌تنها نقطه عطفی در نظام قضایی این کشور محسوب می‌شود بلکه نمادی از تغییر در نگرش جامعه فرانسه به مصونیت قدرت سیاسی است.

درست در همان روزها در آن سوی اقیانوس اطلس، ایالات متحده نیز با پرونده‌ای مشابه درگیر بود: صدور کیفرخواست سنگین علیه جان بولتون، مشاور امنیت ملی پیشین دولت ترامپ. دو رخداد ظاهراً جدا از هم اما در باطن، نشانه‌ای از دوران تازه‌ای هستند که در آن سیاستمداران بلندپایه دیگر فراتر از قانون نیستند. محکومیت سارکوزی پس از سال‌ها تحقیق در پرونده دریافت غیرقانونی کمک مالی از معمر قذافی، رئیس‌جمهور پیشین لیبی، در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۰۷ صادر شد. دادگاه فرانسه ضمن تأکید بر وجود مدارک کافی درباره «توطئه و فساد مالی» اجرای فوری حکم را لازم دانست و درخواست تعویق تا بررسی تجدیدنظر را به دلیل «اخلال در نظم عمومی» رد کرد. به این ترتیب یکی از بانفوذترین چهره‌های سیاسی فرانسه راهی زندانی شد که تاریخ آن با چهره‌هایی جنجالی گره خورده است. زندان «لا سائته» که از قرن نوزدهم تاکنون میزبان شخصیت‌های تاریخی متعددی بوده حالا نام رئیس‌جمهور سابق را در کنار کاپیتان آلفرد دریفوس و کارلوس شغال ثبت کرده است. سارکوزی در گفت‌وگو

با روزنامه لو فیگارو پیش از ورود به زندان گفته بود که انتظار دارد در حبس انفرادی نگهداری شود و تنها سه کتاب همراه خواهد داشت: دو جلد از رمان «کنت مونت کریستو» و زندگینامه عیسی مسیح. انتخاب این آثار از سوی سیاستمداری که خود را قربانی بی‌عدالتی می‌داند از نگاه تحلیلگران، معنایی نمادین دارد. همان‌طور که ادمون دانتس در رمان دوما پس از سال‌ها حبس به دنبال عدالت و انتقام می‌رود، بسیاری این انتخاب را بازتابی از ذهنیت مقاوم و سرسخت سارکوزی تعبیر کرده‌اند.

او در مصاحبه‌ای دیگر با لا تریبون دو دیمانش گفته بود:

«من از زندان نمی‌ترسم. حتی در پشت میله‌های لا سائته با سربلندی مقاومت خواهم کرد. تا آخر مبارزه می‌کنم». مقامات قضایی فرانسه تأکید کرده‌اند که سارکوزی مانند دیگر زندانیان، تنها پس از ورود رسمی می‌تواند درخواست آزادی مشروط خود

### واکنش ایران

وزارت امور خارجه ایران به سرعت به این اقدام واکنش نشان داد. محمود حیدری، مدیرکل مدیریت‌راه و شرق اروپا، رئیس نمایندگی لهستان در تهران، مارچین ویلچک را احضار کرد. ایران ضمن رد قاطعانه اظهارات سیکورسکی به عنوان «مغرضانه و بی‌اساس» مراتب اعتراض شدید خود را ابلاغ کرد. این تنش ابعاد جدیدی در فضای مجازی یافت. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه، در پیامی با زبان لهستانی در شبکه ایکس، نمایش پهپاد را یک «صحنه تأسف‌بار» خواند که «به دروغ و با سوءنیت به ایران نسبت داده شده است». او ضمن متهم کردن «لایبی اسرائیل و حامیان آن» به تلاش برای تخریب روابط چند صد ساله ایران و اروپا، بار دیگر بر آمادگی تهران برای «گفت‌وگوهای فنی و تبادل اسناد» تأکید کرد.

### جدال در ایکس

پاسخ وزیر خارجه لهستان در فضای ایکس این‌جدا را شخصی‌تر و تاریخی‌تر کرد. سیکورسکی در پاسخ به عراقچی نوشت: «این خوب است که وزیرخارجه ایران به لهستانی پیغام خود را نوشته است اما بهتر بود اگر در دوران تجاوز روسیه به

اوکراین، پهپاد و مجوز تولید آنها را به روسیه نمی‌فروخت». او سپس لحنی مداخله‌جویانه اتخاذ کرده و به کنایه آرزو کرد که دولت ایران به جای «صدور انقلاب اسلامی و غنی‌سازی اورانیوم» بر «بازسازی تمدن پارس» تمرکز کند. وزیر امور خارجه نیز دوباره به این جدال برگشت و با لحنی تاریخی پاسخ داد: «من شما را به گفت‌وگوی مستدل و تبادل اسناد دعوت کردم. گریز از پاسخ‌گویی، تکرار ادعاهای بی‌پایه و اظهارات مداخله‌جویانه، مشکلی را حل نمی‌کند». او سپس با اشاره به پناه دادن بیش از یکصد هزار لهستانی توسط ایران در دوران جنگ جهانی دوم بر «صیانت از میراث تاریخی و فرهنگی» دوستی دو ملت تأکید کرد.

### ریشه‌های تنش

تنش اخیر بی‌سابقه نیست. روابط دو کشور در سال ۲۰۱۹ نیز زمانی که لهستان میزبان یک کنفرانس ضدایرانی به رهبری

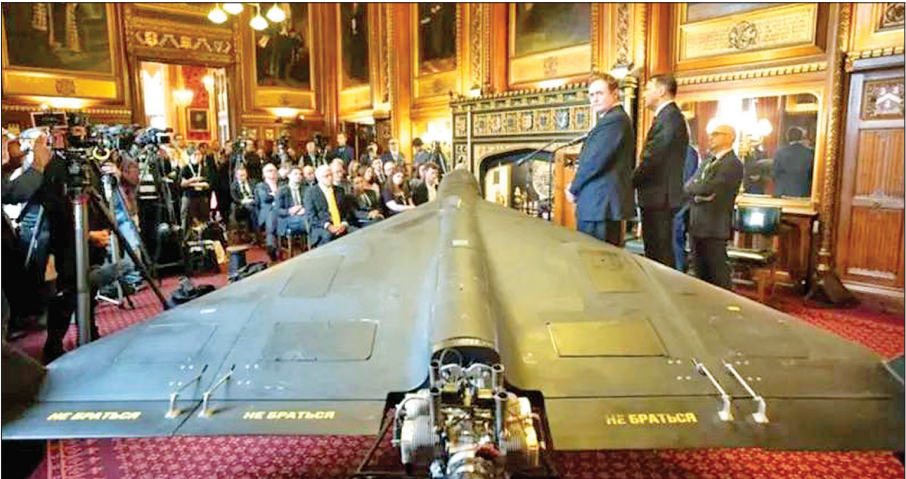
### حکم بازداشت بولتون

تقریباً هه‌زمان با ورود سارکوزی به زندان در آمریکا نیز پرونده‌ای دیگر از جنس قدرت و قانون خبرساز شد. هیات منصفه‌ای در ایالت مریلند علیه جان بولتون، مشاور پیشین امنیت ملی کاخ سفید، کیفرخواستی در ۱۸ مورد صادر کرد که او را به نگهداری و ارسال غیرقانونی اطلاعات طبقه‌بندی شده متهم می‌کند. مأموران اف‌بی‌آی طی بازرسی از منزل و دفتر کار بولتون در واشنگتن به دنبال اسنادی بودند که از دوران خدمت او در دولت ترامپ باقی مانده بود. در صورت اثبات اتهامات، او با مجازات سنگینی روبه‌رو خواهد شد.

بولتون که به‌عنوان یکی از تندروترین چهره‌های سیاست خارجی آمریکا شناخته می‌شود و همواره از مداخله نظامی در بحران‌های جهانی دفاع کرده پس از خروج از دولت ترامپ به یکی از منتقدان سرسخت رئیس‌جمهور سابق تبدیل شد. همین تغییر موضع، رنگی از انتقام سیاسی به پرونده داده است. دونالد ترامپ در گفت‌وگویی با شبکه فاکس‌نیوز، اتهامات علیه بولتون را «اتفاقی خوب» خواند و او را «آدم بد و احمق» توصیف کرد. به گفته ترامپ، حضور بولتون در جلسات با رهبران جهان چون پوتین و کیم جونگ اون، نشانه‌ای از تهدید نظامی بود و گاهی به بحران‌زایی می‌انجامید.

تحلیلگران آمریکایی می‌گویند پرونده بولتون، فارغ از نتیجه آن، آزمونی برای استقلال دستگاه قضایی در برابر فشار سیاسی است. یک کارشناس شبکه سی‌ان‌ان نوشت: «پرونده بولتون تعیین می‌کند آیا عدالت در آمریکا هنوز مستقل است یا درگیر جنگ قدرت شده است». این پرونده همچنین بار دیگر موضوع حساس مدیریت اطلاعات محرمانه در دولت‌های آمریکا را به صدر اخبار بازگردانده است؛ مساله‌ای که پیش‌تر در پرونده‌های هیلاری کلینتون و خود ترامپ نیز جنجال‌برانگیز بود.

به گفته ناظران، آنچه در ظاهر پرونده‌ای قضایی است در باطن بازتابی از شکاف عمیق در حزب جمهوری‌خواه است؛ میان جریان وفادار به ترامپ و جناح سنتی‌تر که بولتون به آن تعلق دارد. برخی معتقدند، بولتون قربانی همان فضای قطبی‌شده‌ای است که سیاست آمریکا را در سال‌های اخیر به میدان نبرد شخصی میان چهره‌ها تبدیل کرده است. در چنین فضایی، مرز میان عدالت و سیاست به سختی قابل تشخیص است.



آمریکا در ورشو بود، تیره شد. تحلیلگران معتقدند این جدال جدید، تنها بازتابی از صفت‌بندی‌های ژئوپلیتیکی در جنگ اوکراین است؛ جایی که لهستان به عنوان یک عضو فعال ناتو و مرزبان اوکراین، سیاست خارجی خود را با هدف انزوای کامل مسکو و حمایتش تنظیم کرده است. با وجود تأکید صریح ایران بر عدم ارسال پهپاد به روسیه و رد هرگونه مشارکت در مناقشه اوکراین، اصرار لهستان بر ارائه مدارک ادعایی سرنگونی پهپادها، فضای گفت‌وگو را به سمت تنش سوق داده است.

در حالی که تهران با رویکردی شفاف و مسئولانه خواستار بررسی فنی و تبادل مستندات شده، ورشو ترجیح داده است از مسیر اتهامات سیاسی و رسانه‌ای در مجامع بین‌المللی حرکت کند. این رویکرد نه‌تنها با اصول دیپلماسی سازنده فاصله دارد بلکه اعتماد دیرینه میان دو ملت را نیز با چالش مواجه کرده و سایه‌ای بر روابط تاریخی ایران و لهستان افکنده است.

**آسیا**

### بانوی آه‌نین

سانانه تاکایچی اولین نخست وزیر زن ژاپن شد

نمایندگان پارلمان ژاپن، سانانه تاکایچی را به عنوان نخستین زن نخست‌وزیر تاریخ این کشور انتخاب کردند. او که رهبر حزب حاکم لیبرال دموکرات است، توانست اکثریت آرا را در هر دو مجلس پارلمان کسب کند و به زودی سوگند یاد خواهد کرد تا دولت خود را تشکیل دهد. این پیروزی تاریخی، نماد پیشرفت مشارکت سیاسی زنان در ژاپن به شمار می‌رود. تاکایچی ۶۴ ساله، چهارمین نخست‌وزیر ژاپن در ۵ سال اخیر است و برخی تحلیلگران معتقدند، انتخاب او از سوی حزب لیبرال دموکرات یک اقدام تاکتیکی برای مقابله با حزب راست افراطی سان‌شیتو است که محبوبیتش در حال افزایش است. چالش‌های فوری پیش روی او شامل رسیدگی به تورم بالا و هزینه‌های زندگی در کشور خواهد بود. با این حال کارشناسان نسبت به موفقیت او در ترسیم شکاف‌های داخلی حزب خوش‌بین نیستند. تاکایچی با عنوان «بانوی آه‌نین» شناخته می‌شود که الهام گرفته از مارگارت تاچر، نخست‌وزیر اسبق بریتانیا است. او پیش‌تر وزیر کابینه بوده، در تلویزیون فعالیت داشته و حتی در یک گروه موسیقی هوی متال درام می‌نواخته است. تاکایچی سال ۱۹۶۱ در استان نارا متولد شد؛ پدرش کارمند و مادرش افسر پلیس بود و سیاست در خانواده او جایگاه برجسته‌ای نداشت. وی پیش‌تر در انتخابات رهبری حزب لیبرال دموکرات در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۴ شرکت کرده و ابتدا شکست خورده بود اما در سومین تلاش خود موفق به کسب رهبری حزب شد. تاکایچی از شاگردان سیاسی شینزو آبه، نخست‌وزیر فقید ژاپن است و وعده داده، سیاست اقتصادی «آبه‌نومیکس» را احیا کند که بر افزایش هزینه‌های عمومی و وام‌های ارزان تمرکز دارد. انتخاب او بازتاب توجه جهانی را نیز به همراه داشت؛ دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، پیروزی او را «خبر فوق‌العاده» خواند و او را فردی «محترم و خردمند» توصیف کرد.



## ماندگار در موسیقی کردی

یادمان زنده‌یاد جمشید عزیزخانی



آیین یادمان زنده‌یاد جمشید عزیزخانی، خواننده و آهنگ‌ساز فقید هم‌زمان با چهل‌مین روز درگذشت او شامگاه دوشنبه ۲۸ مهر با حضور محمدعلی مرآتی، فاضل جمشیدی، شمس‌ی صادقی، احمد سوری، خانواده این هنرمند فقید و جمعی از هنرمندان در فرهنگسرای ارسباران برگزار شد. امین دارابی، نوازنده و مدرس دف و سازهای کوبه‌ای و از دوستان زنده‌یاد عزیزخانی در ابتدای این آیین با بیان ویژگی‌های هنری و شخصیتی زنده‌یاد عزیزخانی از حضاران درخواست کرد که برای ادای احترام به این هنرمند فقید یک دقیقه سکوت کنند.

#### نقش عزیزخانی در حفظ موسیقی کردی

محمدعلی مرآتی، پژوهش‌گر، مدرس موسیقی و مدیرعامل سابق انجمن موسیقی ایران در این آیین به خاطرات خود با زنده‌یاد عزیزخانی اشاره کرد و دربارهٔ اهمیت و جایگاه ویژه او گفت: «چهار موضوع اصلی دربارهٔ زندگی و هنر زنده‌یاد عزیزخانی مورد توجه است؛ اول: زندگی و ویژگی‌های شخصیتی او، دوم؛ ویژگی‌های موسیقی و تکنیک‌های خاص او، سوم؛ همکاری‌هایش با بزرگان موسیقی ایران و کرمانشاه و چهارم؛ تاثیرات و میراثی که از او باقی مانده است، نام این هنرمند «جمشید» برگرفته از نام‌های یکی از اساطیر شاهنامه است؛ او هم‌چون نامش فروتن، شوخ‌طبع و مهربان بود و شخصیت بی‌ادعایی داشت. عزیزخانی طی فعالیت ۴۰ ساله‌اش در موسیقی، آثار برجسته‌ای را اجرا کرد که شامل بیش از ۸۰۰ قطعه موسیقی است، «سفرنامه کردستان» به عنوان حافظه تاریخی موسیقایی او در کرمانشاه و کردستان بزرگ از یادگارهای ارزشمند اوست. استاد عزیزخانی توانایی خاصی در تلفیق موسیقی محلی با سازهای مختلف داشت. او به تسلط کامل بر سازمان‌دهی و تکنیک‌های آواز و تقویت صدای خاص خود مشهور بود که این ویژگی‌ها، او را در میان خوانندگان پیش از انقلاب متمایز می‌کرد. عزیزخانی با بزرگان موسیقی مانند مجتبی میرزاده همکاری‌های مشترکی داشت و با نبوغ و مهارت بی‌نظیر خود درخشید و آثاری از جمله قطعه «نیلوفر» با تنظیم مجتبی میرزاده از جمله آثار تأثیرگذار در این حوزه است. آثار و ترانه‌های او به ویژه در قالب موسیقی گورانی که نماد میراث فرهنگی موسیقی کردی است و در چهار کشور ایران، عراق، سوریه و ترکیه رایج است، نه تنها زبان و فرهنگ منطقه را تثبیت کرده بلکه زیبایی‌های زبانی و لهجه‌های مختلف را هم حفظ کرده است؛ عزیزخانی در تثبیت زبان و لهجه‌های مختلف در موسیقی کردی و ویژگی‌های ریتمیک آن نقش تأثیرگذاری داشت. عزیزخانی نماد نبوغ، خلاقیت و ذکاوت در موسیقی است و نقش مهمی در حفظ و ترویج موسیقی کردی و ایرانی ایفا کرد. او اسطوره و نماد هویت ملی و فرهنگی ایران است. امیدوارم یاد و نام جمشید بزرگ همواره زنده بماند و از همه می‌خواهم که عشق و احترام خود را نسبت به او ابراز کنند.»

#### خستگی ناپذیر و همواره امیدوار

شمس‌ی صادقی، بازیگر سینما و تلویزیون و از دوستان خانواده عزیزخانی نیز در ادامه این آیین گفت: «استاد جمشید عزیزخانی فردی جنگنده، خستگی ناپذیر و همواره امیدوار بود که محدودیت‌های خود را می‌پذیرفت اما در عین حال تلاش می‌کرد امکانات و فرصت‌هایی را برای پرداختن به هنر و موسیقی فراهم کند. عزیزخانی مردی سرشار از عشق به آواز و ترانه بود و با صبر و مداومت از ابتدای فعالیت هنری‌اش به جایگاهی رسید که

## کافه

تازه‌های ادب و هنر

# وارث راستین فردوسی

نکوداشت مقام فرهنگی و ادبی محمدجعفر یاحقی

آیین نکوداشت مقام فرهنگی، ادبی و علمی دکتر محمدجعفر یاحقی، شاهنامه‌پژوه، استاد دانشگاه و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، یک‌شنبه ۲۷ مهر در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد. در آغاز این مراسم محمود شالویی، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در سخنانی گفت: «یاحقی چهره‌ای شناخته شده در عرصهٔ فرهنگ و ادب ایران است و تردیدی نیست این مرد بزرگ سالیان متمادی در این عرصه خدمت کرده و آثار گران‌سنگ عرضه کرده است. آقای یاحقی شاگردانی کوشا و پرتلاشی نیز تربیت کرده است و به‌حق امروز وامدار خدمات ارزشمند این مرد بزرگ هستیم. او یک محقق و پژوهش‌گر درجه اول در حوزهٔ زبان و ادب فارسی خاصه شاهنامه است. او از دوستداران و علاقه‌مندان و مروجان اندیشهٔ فردوسی است، نسبت به فردوسی عرق و علاقه وافر دارد و هیچ شک و شبهه‌ای در این زمینه وجود ندارد.» غلامحسین مظفری، استنادار خراسان رضوی هم گفت: «دکتر محمدجعفر یاحقی دانشمندی است که نامش نه تنها در ساحت علم بلکه در حافظه فرهنگی مردم این سرزمین به احترام و ستایش آراسته است. اگر خراسان را بنا به قول اهل نظر، خاستگاه زبان فارسی و خیمه‌گاه حکمت و عرفان ایرانی اسلامی بدانیم، بی‌تردید استاد یاحقی از زمره وارثان راستین این میراث سترگ است.»

#### مخالفت با زبان فارسی در لباس روشن‌فکری

در ادامهٔ این مراسم اصغر دادبه، استاد زبان و ادبیات فارسی با بیان این‌که در سخنرانی خود تا‌گریز است به حافظ برگردد، غزلی از حافظ خواند و گفت: بیت‌الغزل «قَدْ خمیده ما سهلت نماید اما / بر چشم دشمنان تیر، از این کمان توان زد» نشان‌دهندهٔ حاصل زحمتی است که یاحقی در طول کوشش‌هایش کشیده است.» او با بیان این‌که مهم‌ترین اثر یاحقی، کارهایش در زمینه شاهنامه است، گفت: «این روزها کسی گفته است که هومر خوانده شده و شاهنامه خوانده نشده است. من هم پاسخش را دادم. مسألهٔ این است این جماعت نه بلد هستند و نه می‌خواهند بلد باشند، آن‌ها هدف دیگری دارند و آن هم دشمنی با ایران است آن هم از طریق زبان فارسی. اگر از دانشجویان دربارهٔ جایگاه و اهمیت دکتر یاحقی پرسید، خواهند گفت ایشان استادی ممتاز است و از هیچ کمکی به دانشجویان، چه ایرانی و چه خارجی، کوتاهی نمی‌کند. هرگاه دانشجویان از ایشان بخواهند

#### یادداشت تئاتر

# ناگهان فروپاشی

نگاهی به نمایش رامسس دوم به کارگردانی رضا گوران

#### نیلوفر ثانی

منتقد

نمایشنامه «رامسس دوم» نوشته سباستین تیری نمایشنامه‌نویس، سناریونویس، بازیگر، کارگردان و کم‌دین فرانسوی است که از سال ۲۰۰۴ آثار او در تلویزیون و تئاتر به معرض دید علاقمندان قرار گرفته است. او اگرچه اولین نمایشنامه خود به نام «بدون آسانسور» را در ۲۰۰۵ به نگارش درآورد سپس توسط کارگردانان مهم فرانسه به روی صحنه آمد با این حال بسیاری از آثار او تلویزیونی و سینمایی هستند.

سباستین تیری، تحصیلات خود را در رشته فلسفه و تئاتر در دانشگاه سوربن پاریس به پایان رساند و به طور حرفه‌ای از سال ۲۰۰۰ فعالیت در عرصه تئاتر را آغاز کرد. او بیش از ۱۵ نمایشنامه نوشته است که اغلب آنها در تئاترهای فرانسه و سایر کشورهای اروپایی به روی صحنه رفته‌اند. تیری در نگارش نمایشنامه‌های خود متأثر از سبک ابزورد است به ویژه از آثار ساموئل بکت و ژان ژنه که با دغدغه انسان امروز و مسائلی که با آنها درگیر است، متن‌های خود را ساخته و پرداخته می‌کند. نوعی بازی روانی و زبانی نیز در آثار او به چشم می‌خورد که گاه به پوچی و سیکل تکراری و عبث زندگی اشاره می‌کند و گاه با کم‌دی سیاه و تلخ به موضوعاتی از مرز بین حقیقت و توهم، ارتباطات انسانی، جنون و تردید می‌پردازد.

او تلاش نمی‌کند، روزه‌های امید و مثبتی از دنیای امروز را در این پوچی و معناپناختگی باز کند بلکه وضعیت را همان‌طور که هست و می‌بیند به تصویر می‌کشد. از دیگر آثار او می‌توان به نمایشنامه «آقای اشمیت کیه؟» اشاره کرد که بارها در ایران روی صحنه اجرا شده است.

در «رامسس دوم» نیز تیری از یک موقعیت روزمره و یک ارتباط

تا آن‌سان را به مجامع علمی معتبر جهانی معرفی و رهنمون شود، با کمال میل همکاری می‌کند. این روحیهٔ علمی و انسان‌دوستانه، نشان‌گر منش والای فرهنگی و اخلاقی دکتر یاحقی است.» دادبه با تأکید بر این‌که در روزگار امروز، وظیفهٔ ما سنگین است، گفت: «در طول تاریخ برای آن‌که کیان و فرهنگ ایران را بزنند، اول از طریق دین وارد شدند؛ زبان فارسی را زبان جهنم و زبان عربی را زبان بهشت خواندند و قصدشان از گفتن این حرف هم ستایش زبان عربی نبوده بلکه قصدشان زدن زبان فارسی است. در دورهٔ صفویه گردن‌کلفت‌های تاریخ پیدا شدند، روس‌ها در آسیای میانه و انگلیس‌ها در شبه‌قاره شروع به زدن ریشهٔ زبان فارسی کردند، می‌گویم آن‌ها دشمنان هستند اما درد آنجایی است که در روزگار معاصر، مخالفت با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی شمایل روشن‌فکری پیدا می‌کند. خواهش می‌کنم چهار-پنج دقیقه وقت بگذارید، شعرهایی از حافظ و سعدی برای کودکان بخوانید، کودکان این‌ها را در ذهن خود نگه می‌دارند و زمانی که در ذهن‌شان ماند، دیگر آن‌چه دشمنان می‌خواهند، نمی‌شود. کار نشدنی نیست؛ فقط فرصت و حوصله می‌خواهد.»

#### احیای ناشناخته‌ها

در ادامه پریسا سیمین‌مهر براساس شاهنامه فردوسی به نقالی پرداخت و محسن کریمی، برنامهٔ هنری نوازندگی دوتار و آواز ایرانی را برای حضاران اجرا کرد. علی‌اشرف صادقی، عضو پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی نیز گفت: «یاحقی شاگرد بزرگوارانی چون استاد فیاض، استاد یوسفی و استاد جلال متینی است که راه این بزرگان را خیلی خوب و بهتر ادامه می‌دهد. نخستین اثر مهمی که منتشر کردند در سال ۱۳۵۶ کتاب «گزاره‌ای از بخشی از قرآن کریم تفسیر شنقشی» است. تفسیر شنقشی، کاری است ترجمه و تفسیرگونه از قرآن مفقود که بر اساس ویژگی‌های زبانی‌اش در اطراف تیشابور نوشته شده و نامی هم ندارد. واقف این تفسیر به آستان قدس، شخصی نبوده که لقبش شنقشی بوده است. به همین جهت نامش را بر کتاب گذاشته‌اند. یاحقی با چاپ این کتاب ما را با گوشه‌ای از میراث زبانی خودمان در خراسان که ناشناخته بود، آشنا کرد. یاحقی کتاب دیگری پیدا کرد که ترجمه‌ای است از قرآن که مورخ ۵۵۶ قمری کتابت شده و ویژگی‌های جالب از زبان قدیم ری را در خود نگه داشته است. تصحیح کتاب تفسیر ابوالفتح رازی، اثری ارزشمند از قرن ششم هجری است که

خانوادگی درامی را خلق می‌کند که در آن علاوه بر بازی با حقیقت و توهم، نوعی بازآفرینی هم‌زمان چند موقعیت از یک اتفاق را در نظر می‌گیرد. این نگاه ویژه، امکان برداشت‌ها و نتیجه‌گیری‌های متفاوت و متنوعی را میسر می‌کند تا تماشاگر تنها با یک داستان و یک پایان از سالن خارج نشود. همان شگردی که از مدت‌ها پیش در سینما آغاز شده است.

داستان «رامسس دوم» درباره زرن و مردی میانسال است که ویلایی در خارج از شهر و منطقه‌ای جنگلی دارند و برای صرف ناهار ظهر، منتظر آمدن دخترشان و شوهرش هستند که به تازگی از سفر مصر بازگشته‌اند. داماد می‌آید اما از دختر خبری نیست. طی پرس‌وجوها و رفتار عجیب و متناقض داماد و پاسخ‌های بی‌ربط او، احتمال به قتل رسیدن دختر پیش می‌آید اما در این حین دختر خانواده وارد می‌شود و داماد هر چه پیش آمده را انکار می‌کند. ژان پدر خانواده در این وضعیت دچار ظن و بدگمانی نسبت به رفتار متیو می‌شود و زمانی که تا سه بار این روند تکرار می‌شود و هر بار شدیدتر از قبل احتمال قتل دختر قوت می‌گیرد، رفتار ژان به سمت نوعی جنون و فروپاشی می‌رود. در پایان نیز همچنان مشخص نیست که آیا تمام رخدادها از ذهن پارانوییدی و مشکلات روانی ژان بیرون آمده یا به راستی داماد با این رفتار، آن‌ها را شکنجه داده است.

رضا گوران از چهره‌های شناخته‌شده تئاتر، که حالا پس از ۶ سال بار دیگر با اجرای نمایش به سالن اصلی تئاترشهر بازگشته، «رامسس دوم» از تیری را که برای بار نخست اجرا می‌شود، انتخاب و با بازیگران حرفه‌ای تئاتر روی صحنه آورده است. این نمایشنامه اربیهبشت اسمال و توسط شهلا حاتری، ترجمه و از نشر نی منتشر شده است.

رضا گوران که سابقه ساخت آثاری چون «هملت»، «مرداب روی بام»، «شب آوازهایش را می‌خواند» و فیلم سینمایی «سربکوب» را طی یک دهه اخیر در کارنامه خود دارد و به عنوان

## فرار از زندان در مسیری تازه

سریال در همان حال و هواست با خط داستانی تازه

سریالی موفق برای این شبکه بدل شد. بازیگران اصلی این سریال شامل دومینیک پورسل، ونت‌ورث میلر، آموری نولاسکو، رابرت نپر، سارا وین کالیز و راکموند دانبار بودند. موفقیت این سریال، ساخته شدن یک فیلم تلویزیونی به نام «فرار نهایی» و یک اسپین‌آف کم‌هزینه به نام «فرار از زندان: اثبات بی‌گناهی» را هم سبب شد که فقط برای تلفن‌های همراه در دسترس بود. این سریال همچنین الهام‌بخش یک بازی ویدیویی و یک رمان هم بود.

داستان آن در مورد دو برادر است؛ به نام‌های مایکل اسکافیلد و لینکلن باروز که یکی از آنها یعنی لینکلن باروز که به خاطر جرمی که هرگز مرتکب نشده به مرگ محکوم شده و در زندان به سر می‌برد. دیگری یعنی مایکل برای نجات برادر خود نقض‌های استنادانه می‌کشد و خود را وارد زندان می‌کند تا او را نجات دهد.

در سریال اصلی «فرار از زندان» لینکلن باروز به دلیل جنایتی که مرتکب نشده به اعدام محکوم می‌شود و برادرش مایکل اسکافیلد نقش‌های برای فرار لینکلن از زندان طرح می‌کند. این سریال با اقبال زیادی روبه‌رو شد و جایزه گلدن گلوب بهترین سریال تلویزیونی درام را برای فصل افتتاحیه خود دریافت کرد.

رابین تونی، پتر استورمار، آموری نولاسکو، مارشال آلمن، وید ویلیامز و پل آدلستاین دیگر بازیگران این سریال بودند.

موسیقی این سریال را رامین جوادی ساخت و در سال ۲۰۰۶ نامزد دریافت جایزه امی بهترین موسیقی متن شد. همچنین سریال فرار از زندان، برنده جایزه بهترین سریال درام در جوایز برگزیده مردم سال ۲۰۰۶ شد.

در سال ۲۰۰۵ فرار از زندان جایزه گلدن گلوب بهترین مجموعه تلویزیونی درام را از آن خود کرد. هر ۵ فصل این سریال بر روی دی‌وی‌دی به بازار عرضه شده است و در ژوئیه ۲۰۰۹ دو قسمت اضافی به نام فرار نهایی منتشر شد.

این سریال مه ۲۰۰۹ پس از پخش ۸۱ قسمت در قالب ۴ فصل به انتهای راه خود رسید ولی به دلیل محبوبیت زیاد آن در سال ۲۰۱۷ شاهد پخش ۹ قسمت دیگر از آن تحت عنوان فصل پنجم این سریال بودیم. بسیاری از اهالی سینما و تلویزیون به‌خصوص طرفداران این سریال از پخش فصل پنجم آن ناامید شدند و ساخت آن را تنها به اهداف اقتصادی سازندگان سریال مرتبط می‌دانستند. درحال این سریال همچنان یکی از محبوب‌ترین سریال‌های ساخته شده در تاریخ قلمداد می‌شود.

اگرچه در «فرار از زندان» جدید، مخاطبان با ستارگان اصلی سریال، میلر و پرسل، ملاقات نخواهند کرد اما خبری مبنی بر همکاری این دو بازیگر در سریالی به نام «بازپس‌گیری» منتشر شد که نوید بازگشت خاطرات «فرار از زندان» را به هواداران آنها می‌دهد. داستان این سریال از زندگی یک افسر مخفی اطلاعات که هنوز هم در این حوزه مشغول به فعالیت است، الهام گرفته شده است. «بازپس‌گیری» که توسط یونیورسال تله‌ویژن تولید می‌شود، درباره یک تیم خصوصی ماهر است که در سراسر جهان عملیات آزادسازی گروگان‌ها را انجام می‌دهند. پرسل و میلر که علاوه بر «فرار از زندان» در سریال «دنیای کماندار» نیز با هم همپایان بوده‌اند به‌عنوان ستاره‌های اصلی در «بازپس‌گیری» حضور دارند.

«فرار از زندان» در قالب یک سریال جدید با بازیگران جدید اما در همان حال‌وهوا برای هولو ساخته است. این سریال یکی از موفق‌ترین آثار تلویزیونی است. سریالی که نه‌تنها در میان طرفداران سریال‌های تلویزیونی در جهان که در میان مردم کشور خودمان هم محبوبیت بسیار زیادی دارد و هنوز درباره آن صحبت می‌شود. سریالی که شخصیت‌های آن مدام در حال فرار هستند؛ فرار از زندان یا فرار از دست افراد مختلف. خالق این سریال یعنی پال شیورینگ پس از سختی‌های بسیار موفق شد، ایده خود را به مرحله ساخت برساند و یکی از موفق‌ترین سریال‌های تلویزیونی تاریخ را خلق کند.

هولو، چراغ سبز ساخت سریال جدید «فرار از زندان» را روشن کرده است. درحالی که نخستین خبر درباره این پروژه در دسامبر ۲۰۲۴ و در مورد سفارش ساخت قسمت آزمایشی در هولو بود اکنون این خبر رسمی شده و قرار است، بازیگران شامل امیلی براونینگ در نقش کسیدی، دریک راجر در نقش تامی، لوکاس گیچ در نقش جکسون، کلیتون کاردناس در نقش مایکل معروف به «روح»، جی آر بورن در نقش جوئینر، جورجی فلورس در نقش آندره‌آ و مایلز یولاک در نقش داریوس معروف به «رد» در این سریال بازی کنند. این سریال جدید در همان دنیای سریال اصلی اتفاق می‌افتد اما شخصیت‌های متفاوت و خط داستانی جدیدی را دنبال می‌کند.

طبق خلاصه رسمی داستان، محور سریال بر دختری استوار است که سرباز سابق بوده و حالا به‌عنوان مأمور اصلاح و تربیت در یکی از خطرناک‌ترین زندان‌های آمریکا کار می‌کند؛ جایی که می‌خواهد ثابت کند برای کسی که دوستش دارد تا کجا پیش می‌رود.

در خلاصه رسمی که درباره داستان این سریال منتشر شده، آمده است: یک سرباز سابق که حالا افسر زندان شده (بسا بازی براونینگ) در یکی از مرگبارترین زندان‌های آمریکا مشغول کار می‌شود تا ثابت کند برای کسی که دوستش دارد تا کجا پیش می‌رود.

الگن جیمز در کنار داون اولمستد، پل شیورینگ خالق «فرار از زندان»، مارتی ادلشتاین و نیل موریتز، تهیه‌کنندگی این قسمت آزمایشی را بر عهده دارد. جیمز علاوه بر «ماهایا» که اسپین‌آف «پسران آنارشی» بود با همکاری استفن مرجنت، مجموعه «قانون‌شکن‌ها» را با بازی کریستوفر واکن برای بی‌بی‌سی وان ساخت.

الگین جیمز علاوه بر کارگردانی قسمت اول به عنوان نویسنده، سازنده و تهیه‌کننده اجرایی این سریال حضور دارد. البته این سریال جدید از سازندگان سریال اصلی نیز بی‌بهره نیست و داون اولمستد، مارتی آدلستین و نیل موریتز، خالقان سریال «فرار از زندان»، تهیه‌کنندگان اجرایی آن هستند. استودیوی سازنده سرال اصلی نیز این سریال را می‌سازد.

الگین جیمز در حال نوشتن فیلمنامه این سریال است و انتظار نمی‌رود داستان جدید، شخصیت‌های اصلی سریال یعنی مایکل اسکافیلد با بازی ونتورث میلر و لینکلن باروز با بازی دومینیک پرسل را به قصه بازگرداند.

جیمز علاوه بر ساخت اسپین‌آف «پسران آنارشی»، سریال «آقایان» با بازی کریستوفر واکن را هم ساخته است. «فرار از زندان» در ۵ فصل از شبکه فاکس پخش و به



فرهنگی آستان برنامه‌ریزی شود. آن زمان دکتر یوسفی با مهر و محبت یاحقی جوان را نشان داد در حالی که بهترین دانشجوی خود را معرفی می‌کند. «او سپس با اشاره به اهمیت دانشکده‌های ادبیات دانشگاه تهران، مشهد، تبریز و اصفهان گفت: «در دانشکاه مشهد استادان مهمی چون دکتر فیاض، یوسفی، متینی و دکتر رجایی خراسانی حضور داشتند و آقای یاحقی، ادامه‌دهنده راه آن استادان بزرگ در دانشکده ادبیات مشهد است. او پرمی که از دست سرداری افتاده را گرفته است. از خصوصیات دکتر یاحقی، پرکاری و تنوع و وسعت میدان تحقیق و تألیف اوست. در کنار شاهنامه‌پژوهی، او یک قرآن‌پژوه بنام است. حدادعادل در ادامه درباره برخی از آثار یاحقی توضیح داد و یادآور شد: در سال‌های اخیر عده زیادی از استادان ادبیات فارسی از افغانستان مجبور به مهاجرت به ایران شدند و دکتر یاحقی به نوعی پناه آن‌ها بود و با من تماس می‌گرفتند چه کنیم و ما هم همدگر می‌کردیم. او همچنین برای دانشجویان افغانستانی، حکم پدری داشت و می‌گفت حالا که اوضاع افغانستان به‌هم ریخته است آن‌ها بی‌پناه نمانند. این کارهای اجتماعی از باب دلسوزی برای ایران زبان فارسی بوده است. در افکار آقای یاحقی افراط و تفریط ندیدیم که بگوئیم در جایی تند رفته است یا جایی کند بوده. اعتدال دارد که این اعتدال در دکتر یوسفی در نهایت بود.»

نیکتام حسینی‌پور، مدیرکل روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز پی‌سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را خواند. در بخش پایانی این رویداد، دکتر یاحقی در سخنانی با تقدیر از انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به ذکر خاطراتی از گذشته و همکاری‌های علمی و پژوهشی خود با استادان برجسته زبان و ادب فارسی پرداخت و در بخشی از سخنان خود گفت: از ۷۸ بهاری که پشت‌سر گذاشته‌ام ۵۸ سال در دانشگاه فردوسی بودم و هیچ‌کس نمی‌تواند، ارتباط من را با دانشگاه ببرد مگر مرگ.»

در اینجا تمام نقطه تمرکز اثر به بیماری روانی مادر که نقش آن را سحر دولتشاهی بازی می‌کند، معطوف شده است. یعنی قرار است بین مرز توهم و حقیقتی که از آزار داماد و اختلال روانی مادر ارائه می‌شود، کفه به سستی برود که تمام آنچه از شکنجه و آزارگری داماد روی صحنه دیده‌ایم همگی حاصل توهم و تصور مادر بوده باشد.

این روند که به غافلگیری تماشاگر و کشش دامام داستان توسط او کمک می‌کند، پرسش‌های زیادی را نیز در ذهنش باقی می‌گذارد. به همین دلیل به نظر می‌رسد، تغییرات در جهت ایجاد هیجان و ساده‌سازی لایه‌های آن با هدف جذب بیشتر مخاطب اعمال شده است و نه چندان مفهومی و محتوایی.

به عنوان مثال مشخص نیست که چطور پس از ۱۰ سال که از رابطه ازدواج دختر و شوهرش می‌گذرد چرا اکنون این اختلال و هراس از رفتار او برای مادر / زن پیش می‌آید. آیا غیبت دختر و توضیحات متناقض متیو و کشف ییلی در صندوق عقب ماشین، او را ناگهانی به مرز فروپاشی رسانده؟ هیچ پیشینه‌ای از سابقه توهمات و یا اختلال حواس و روان در مادر ارائه نمی‌شود و تمام آنچه که باید به برقراری پیوندها و ارتباط بین وقایع کمک کند در همان روایت پیش‌رو و اجرای روی صحنه خلاصه شده است. به همین دلیل چندان وضعیت روانی و علت برخورد‌های مادر با داماد روشن نمی‌شود. به ویژه در پرده نهایی، شکنجه‌های داماد به حد اعلای خود و با سویه‌های اروتیک می‌رسد که بیشتر به نمایش خشونت و تحریک تماشاگر معطوف می‌شود.

با این حال «رامسس دوم» با وجود موضوعی انسانی و روابط بین افراد که همچون نقاب رامسس دوم می‌تواند متغیر و بی‌ثبات باشد که در لحظه تغییر کند با بازیگری اندازه و جذاب «علی شادامان» و «سحر دولتشاهی»، طراحی صحنه متفاوت و سورئال، موسیقی افکتیو و مدرن همراه با اجرا و داستانی تعلیقی و دلهره‌آور و پرهیجان، می‌تواند اجرای قابل قبولی باشد.

اگرچه اگر چنینش وقایع و عمیق‌تر شدن مسائل و بُعد دادن به روابط و کاراکترها، کامل‌تر و دقیق‌تر صورت می‌گرفت، می‌توانست اجرای درخور و موفق‌تری نیز رقم بخورد. با این حال همچنان ایهام و پرسش‌های زیادی پس از تماشای اثر با تماشاگر باقی می‌ماند.

دکتر یاحقی با همکاری دکتر محمدهدی ناصح آن را تصحیح کرده است. این تصحیح، بهترین نسخه موجود از این کتاب است که هم از نظر متن و هم از نظر حواشی، قابل استفاده و بسیار سودمند است و فواید زیادی فراوانی دارد.» صادقی در ادامه به انتشار کتاب بیهقی فیاض و تصحیح جدیدی از بیهقی همراه مهدی سیدی و تصحیح یاحقی از حدیقه سنایی پرداخت.

### شعر رقصیدن است و نثر راه رفتن

سپس مهدی محبتی، عضو هیأت علمی دانشگاه زنجان در سخنانی گفت: «شخصیت‌های بزرگ را از چند راه می‌شناسند، یکی کتاب‌هایی که خلق کرده که نشان‌دهنده بار علمی و فرهنگی است، دوم شاگردان و اصحابی است که پروریده است و پروردن شاگردان خوب از نوشتن کتاب مهم‌تر است و سوم آثار غیرمکتوب و بنا و یادگاری‌های تمدنی است که استاد یاحقی در هر سه مورد، پرورنده خوبی دارد. دکتر یاحقی تلاش دارد زمینه‌های سنتی را به قوانین مدرن وصل کند.» محبتی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به توجه یاحقی به نثر گفت: «نثر بخش مغفول تاریخ فرهنگ ماست که توجهی به آن نمی‌شود. ایرانی‌ها ۵۰ درصد شعر دنیا را آفریده‌اند و پنج شاعر بزرگ دنیا ایرانی هستند اما نتوانسته‌ایم یک نویسنده در حد استاندارد تربیت کنیم در حالی که شعر رقصیدن است و نثر راه رفتن.»

### پاسدار دلیر زبان فارسی

در بخش دیگری از این مراسم، غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در سخنانی گفت: «آقای یاحقی از پاسداران دلیر زبان و ادب فارسی و از وارثان خلف فرهنگ اسلامی و ایرانی است. اولین ملاقات من با آقای یاحقی در سال ۱۳۵۹ بود. زمانی که آیت‌الله طبعی تولیت آستان را برعهده داشتند و ما را دعوت کرده بودند تا برنامه‌های



کارگردانی خلاق که به ویژه به عناصر بصری اجرا و بازی گرفتن از بازیگران مشهور است این بار متنی فرانسوی و معاصر که کمندی و ابزورد است را برای اجرا در نظر گرفته است. هر چند با دستکاری‌های متعدد در متن و جابه‌جایی کاراکتر اصلی مرد «ژان» به زن / مادر خانواده، اساساً تغییرات به شکلی رقم خورده است که با متن اصلی تفاوت زیادی دارد. پایان‌بندی نیز به شکل دیگری چیده شده که ایهام و پایان باز را تا حدود زیادی کمرنگ کند. اگرچه همین اقدام، باعث ناهمخوانی مسیر و روند نمایش و برداشت‌های ژان از برخورد متیو در متن اصلی شده و باگ‌هایی به جریان نمایش افزوده است.

«رامسس دوم» گوران را باید بازخوانی و اثری مستقل خود او در نظر گرفت. چیزی شبیه به اقتباس که از قضا بخش‌های زیادی از دیالوگها با متن اصلی مشابه‌اند اما آنچه در بطن و متن نمایش شکل گرفته و پیش می‌رود، متفاوت از متن تیری است.



ادامه تیتربک

### ادغام آینده در ملی

ادغام احتمالی بانک آینده در بانک ملی، اگرچه هنوز به‌طور رسمی اعلام نشده است اما با توجه به نشانه‌های موجود به نظر می‌رسد، بانک مرکزی در حال آماده‌سازی زمینه‌های فنی و حقوقی این تصمیم است. بانک آینده سال‌هاست با مشکلات پیچیده مالی، بدهی‌های سنگین و پرونده‌های انباشته از سوءمدیریت و مطالبات معوق روبه‌روست. بخش عمده‌ای از دارایی‌های این بانک غیر قابل‌وصول یا قفل شده در پروژه‌هایی است که بازده اقتصادی ندارند، از جمله پروژه ایران‌مال که سرمایه‌گذاری عظیمی از منابع سپرده‌گذاران در آن انجام شده است. در چنین شرایطی، ادامه فعالیت مستقل بانک آینده نه‌تنها ریسک‌های مالی گسترده‌ای برای سپرده‌گذاران و شبکه بانکی ایجاد می‌کند بلکه می‌تواند به بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نظام بانکی منجر شود. بانک مرکزی در سال‌های اخیر بارها تجربه مداخله در مؤسسات مالی بحران‌زده را داشته است. از ساماندهی مؤسسات غیرمجاز گرفته تا ادغام مؤسسه اعتباری نور در بانک ملی، هدف اصلی همیشه یک چیز بوده است: جلوگیری از سرایت بحران نقدینگی و حفاظت از منافع مردم. در مورد بانک آینده نیز همین منطق حاکم است. اگرچه حجم دارایی‌ها و تعهدات این بانک بسیار بیشتر از مؤسسات کوچک‌تر است اما به نظر می‌رسد، ادغام در بانکی بزرگ و دارای پشتوانه دولتی مانند بانک ملی، مطمئن‌ترین مسیر برای مهار بحران و جلوگیری از فروپاشی احتمالی آن باشد.

اگر بانک مرکزی بتواند در گام نخست، وضعیت دارایی‌ها و بدهی‌های بانک آینده را به‌صورت شفاف و حساسرسی شده مشخص کند و در ادامه، طرح ادغام را با محوریت حفظ منافع سپرده‌گذاران و تقویت ساختار سرمایه بانک ملی پیش ببرد احتمال موفقیت بالا است. مهم‌تر از خود ادغام، نحوه مدیریت آن است؛ زیرا کوچک‌ترین خطا در سرآورد ارزش دارایی‌ها یا انتقال بدهی‌ها می‌تواند برای بانک مقصد نیز چالش‌زا باشد.

اما در پس این تصمیم فنی، پرسش‌های سیاسی و نهادی بزرگی نهفته است. بانک آینده تنها یک نهاد مالی نیست؛ بازتابی از دورهای است که رابطه میان سیاست، سرمایه و نظارت در ایران به شکلی پرتنش و پرابهام شکل گرفت. سال‌هایی که در آن، بنگاه‌های مالی به اتکای روابط سیاسی و نه کفایت اقتصادی رشد کردند و در غیاب نظارت مؤثر بانک مرکزی به شبکه‌ای از بدهی‌ها و پروژه‌های نیمه‌تمام بدل شدند. اکنون ادغام بانک آینده در بانک ملی در واقع به نوعی تلاش برای بستن پرونده آن دوران است؛ دوره‌ای که نهادهای مالی خصوصی بدون پشتوانه واقعی با وعده سودهای بالا و طرح‌های بزرگ، منابع سپرده‌گذاران را به ریسک‌های نامولد کشاندند. با این حال، ادغام به‌تنهایی کافی نیست. چنانکه تجربه‌های بین‌المللی از اسپانیا تا هند نشان می‌دهد، موفقیت در اصلاح نظام بانکی تنها در صورتی مکن است که همراه با تغییر در شیوه نظارت، بازسازی اعتماد عمومی و پاسخگویی شفاف مدیران سابق باشد.

در ایران اما در بسیاری از ادغام‌های پیشین، بخش مهمی از این چرخه معقول ماند: نه حساسرسی دقیق علنی شد، نه مدیران پاسخگو شدند و نه سپرده‌گذاران تصویر روشنی از آینده دارایی‌هایشان یافتند. اگر قرار است بانک آینده در بانک ملی ادغام شود، نقطه آغاز باید شفافیت باشد؛ یعنی اعلام عمومی صورت‌های مالی، تعیین تکلیف بدهی‌ها و انتشار گزارش دقیق از پروژه‌هایی که سرمایه‌های مردم در آنها هزینه شده است. بانک ملی نیز باید از این فرصت برای بازتعریف نقش خود در نظام بانکی استفاده کند. بانکی که در دهه‌های گذشته بیشتر به نهادی بروکراتیک و کند تبدیل شده بود اکنون می‌تواند با جذب ساختارهای فناورانه و سرمایه انسانی بانک آینده، نقّسی تازه در عملکرد خود بدمد. از سوی دیگر، جامعه نیز نظاره‌گر این فرآیند است. افکار عمومی در سال‌های اخیر نسبت به پرونده‌های مالی حساس‌تر شده است. هرگونه بی‌تدبیری در ادغام می‌تواند اعتماد عمومی به نظام بانکی را بیش از پیش فرسوده کند. سپرده‌گذاران بانک آینده، به‌ویژه در میان طبقه متوسط شهری، خواستار تضمین‌های صریح و کتبی درباره دسترسی به سپرده‌ها و استمرار خدمات بانکی هستند. بانک مرکزی اگر می‌خواهد از بروز التهاب اجتماعی جلوگیری کند باید سیاست اطلاع‌رسانی فعالی در پیش گیرد و از انتشار اخبار مبهم با تأخیر در تصمیم‌گیری پرهیزد.

در نهایت، سرنوشت بانک آینده می‌تواند آینه‌ای از آینده بانکداری ایران باشد؛ آینده‌ای که یا به سمت انضباط، شفافیت و بازسازی اعتماد حرکت خواهد کرد و یا همچنان در مدار بحران‌های تکرارشونده و تصمیم‌های موقتی گرفتار می‌ماند. در این میان آنچه تعیین‌کننده است نه فقط عدد دارایی‌ها و بدهی‌ها بلکه میزان اراده سیاسی برای اصلاح ساختار بانکی است. بدون این اراده، هیچ ادغامی در بزرگ‌ترین بانک کشور نمی‌تواند، معنای واقعی ثبات را به نظام مالی بازگرداند.

## توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

## خطر خط فقر

### سخنگوی دولت اعلام کرد خط فقر برای هر فرد ۶میلیون و ۱۲۸هزار تومان است!

**سعید خوش‌بین**

گروه اقتصاد

در حالی که سفره بسیاری از خانواده‌ها هر روز کوچک‌تر می‌شود، تازه‌ترین آمار رسمی از خط فقر نشان می‌دهد، فاصله درآمد مردم با حداقل هزینه‌های لازم برای گذران زندگی همچنان در حال افزایش است. با وجود رشد ظاهری حقوق و یارانه‌ها، بخش بزرگی از جمعیت کشور هنوز قادر نیستند نیازهای اساسی خود را تأمین کنند؛ نشانه‌ای آشکار از فشار اقتصادی که به‌ویژه بر طبقات پایین و حتی بخشی از طبقه متوسط سایه انداخته است. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در نشست خبری روز گذشته اعلام کرد بر اساس آمار سال ۱۴۰۳ خط فقر معادل ۶ میلیون و ۱۲۸ هزار و ۷۳۹ تومان برای هر فرد تعیین شده است. او گفت: سیاست‌های دولت، از جمله تعیین حداقل دستمزد با هدف پوشش این رقم طراحی می‌شود و افزود: «تورم را هرگز انکار نمی‌کنیم؛ عامل اصلی آن تحریم‌هاست و پرداخت یارانه، کالابرگ و تقویت صندوق‌های بازنشستگی از برنامه‌های دولت برای کاهش آثار تورم بر مردم است.»

خط فقر در واقع شاخصی اقتصادی است که حداقل درآمد لازم برای تأمین نیازهای اساسی زندگی از جمله خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و آموزش را مشخص می‌کند. کسانی که درآمدی پایین‌تر از این سطح دارند، قادر به تأمین هزینه‌های ضروری خود نیستند و در نتیجه «فقیر» محسوب می‌شوند. این شاخص معمولاً به‌صورت «خط فقر سرانه» برای هر فرد یا «خط فقر خانوار» برای خانواده‌ای با تعداد مشخص

اعضا بیان می‌شود و با توجه به نرخ تورم و هزینه‌های جاری جامعه به‌طور منظم به‌روزرسانی می‌شود.

با در نظر گرفتن میانگین بعد خانوار در ایران- حدود ۳.۳ نفر- خط فقر ماهانه برای یک خانواده معمولی به حدود ۲۰ میلیون تومان می‌رسد. این در حالی است که حداقل دستمزد مصوب سال ۱۴۰۳ با احتساب مزایا حدود ۱۰ میلیون و ۳۵۰ هزار تومان است؛ یعنی بخش بزرگی از کارگران و حتی کارمندان رده پایین کمتر از نیمی از هزینه‌های حداقلی زندگی را دریافت می‌کنند. به بیان دیگر حداقل‌بگیران در ایران با درآمدی زندگی می‌کنند که برای پوشش نیازهای ضروری کافی نیست. به همین دلیل آنچه در ظاهر افزایش حقوق به‌نظر می‌رسد، در واقع تنها جبران بخشی از تورم شدید سال‌های اخیر است.

برآوردهای مراکز پژوهشی مستقل و برخی گزارش‌های رسمی از جمله داده‌های مرکز آمار و بانک مرکزی نشان می‌دهد که میان ۳۰ تا ۴۰ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر قرار دارند. این

**دیدگاه:تحلیل اقتصادی**

## رشد نامحسوس

### بازار سهام این روزها چه اوضاعی دارد؟

**نسرين خدادادی**

گروه اقتصاد

معاملات دیروز بورس تهران با کاهش اندک شاخص کل و رشد محدود شاخص هم‌وزن به پایان رسید. شاخص کل تا پایان معاملات با افت ۴۳۹۵ واحدی معادل ۰٫۱۴ درصد در سطح ۳ میلیون و ۵۲ هزار و ۲۸۱ واحد ایستاد، در حالی که شاخص کل هم‌وزن با رشد ۳۰۶ واحدی معادل ۰٫۰۳ درصد به ۸۹۳ هزار و ۱۸۹ واحد رسید.

این اختلاف عملکرد میان شاخص کل و شاخص هم‌وزن نشان می‌دهد که شرکت‌های بزرگ و شاخص‌ساز با فشار عرضه روبه‌رو بوده‌اند اما نمادهای کوچک‌تر توانسته‌اند با افزایش محدود تقاضا، اثر مثبت خود را در شاخص هم‌وزن منعکس کنند. آمار معاملات دیروز حاکی از وضعیت خوب حجم دادوستدهاست. حجم معاملات سهام، حق تقدم و

نسبت در مناطق روستایی، حاشیه‌ششین و استان‌های کم‌پرخوردار به‌مراتب بالاتر است و در برخی مناطق به ۵۰ درصد نیز می‌رسد. به این ترتیب، نزدیک به یک‌سوم تا نیمی از مردم ایران درآمدی دارند که حتی کفاف هزینه‌های پایه زندگی را نمی‌دهد. تورم مزمن، افزایش هزینه مسکن، کاهش قدرت خرید و ناکارآمدی نظام حمایتی از جمله عواملی است که این وضعیت را تشدید کرده است. برای بسیاری از خانوارها، پرداخت اجاره، خوراک، پوشاک و آموزش فرزندان به معضلی دامن‌ی بدل شده و طبقات متوسط نیز روزبه‌روز به مرز فقر نزدیک‌تر می‌شوند. در چنین شرایطی، تداوم سیاست‌های حمایتی بدون کنترل ریشه‌های تورم و اصلاح ساختار درآمدی، نمی‌تواند پاسخگوی بحران معیشت باشد. کارشناسان تأکید می‌کنند که برای مهار روند فقر باید رشد اقتصادی پایدار، اشتغال مولد و کاهش شکاف درآمدی در اولویت سیاست‌گذاری دولت قرار گیرد؛ چراکه فقر امروز، اگر مهار نشود، فردای اجتماعی و اقتصادی کشور را تهدید خواهد



کرد. به این ترتیب روند فقیر شدن مردم ایران، هم‌نگران‌کننده است و هم عمیقاً تأثیربرانگیز. داده‌های رسمی و پژوهش‌های اقتصادی نشان می‌دهد که نه‌تنها جمعیت زیر خط فقر افزایش یافته بلکه فاصله کسانی که بالای خط فقر قرار دارند نیز با این خط به‌طور مداوم کمتر می‌شود. این بدان معناست که طبقه متوسط، که در گذشته سبیری میان طبقات پایین و بالا بود، به‌تدریج در حال فرسایش است.

اقتصاددانان مفهومی دارند به نام «شدت فقر». یعنی میزان فاصله درآمد خانوارهای فقیر با خط فقر. در واقع، همه فقرا به یک اندازه فقیر نیستند؛ برخی تنها اندکی پایین‌تر از مرز فقر قرار دارند اما برخی دیگر به‌مراتب فاصله بیشتری با آن دارند و به تعبیری در «قعر فقر» زندگی می‌کنند. ترکیب این دو روند- افزایش شدت فقر و کاهش فاصله طبقات بالای خط فقر با این مرز- تصویری هشداردهنده از وضعیت معیشتی جامعه ترسیم می‌کند. بر اساس آمارهای رسمی بودجه خانوار، از سال ۱۳۹۷

**دیدگاه:تحلیل اقتصادی**

تاکنون فاصله جمعیت بالای خط فقر با این خط حدود ۲۲ درصد کاهش یافته است. این یعنی خانوارهایی که پیش‌تر درآمدی مطمئن برای تأمین نیازهای اساسی داشتند، اکنون در نزدیکی مرز فقر قرار گرفته‌اند. در همین حال تحلیل همین آمارها نشان می‌دهد که از هر ۱۰۰ ایرانی دست‌کم ۳۱ نفر زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این رقم بیانگر آن است که حدود یک‌سوم جمعیت کشور در تأمین حداقل نیازهای خود ناتوان هستند.

اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود. افزون بر جمعیت فقیر باید به گروه بزرگی از بیسکاران نیز توجه کرد. طبق برآوردها حدود ۱۲ میلیون نفر از جمعیت کشور غیرمحصل، غیرشاغل و عملاً بی‌کارند. این گروه، که بخش قابل‌توجهی از آنان در سن کار و دارای مهارت‌اند، در غیاب فرصت‌های شغلی پایدار از چرخه تولید و درآمد خارج شده‌اند و بار مضاعفی بر دوش اقتصاد خانوارها و نظام حمایتی کشور گذاشته‌اند. در این میان حتی شاغلان نیز از فشار تورم و کاهش قدرت خرید در امان نمانده‌اند. بخش بزرگی از نیروی کار کشور، به‌ویژه در مشاغل خدماتی، تولیدی و غیررسمی، با وجود کار مستمر، درآمدی کمتر از خط فقر دارند. این گروه که می‌توان آنان را «فقیران شاغل» نامید، نماینده یکی از تلخ‌ترین چهره‌های فقر در جامعه امروز ایران هستند؛ کسانی که تلاش می‌کنند اما دستمزدشان پاسخ‌گوی هزینه‌های زندگی نیست. تورم مزمن، تحریم‌های اقتصادی، رکود در بخش تولید و ناکارآمدی نظام توزیع یارانه‌ها از جمله عواملی‌اند که به تشدید این وضعیت دامن زده‌اند. در حالی که شاخص‌های اسمی مانند افزایش دستمزد یا پرداخت یارانه در ظاهر به بهبود معیشت اشاره دارند، واقعیت این است که افزایش هزینه‌های مسکن، مواد غذایی، بهداشت و آموزش، بخش عمده‌ی درآمد خانوارها را بلعیده است. به بیان دیگر، فقر امروز در ایران صرفاً یک وضعیت اقتصادی نیست؛ بلکه در حال تبدیل شدن به یک وضعیت اجتماعی پایدار است. کاهش فاصله طبقه متوسط با خط فقر، گسترش فقر در میان شاغلان و افزایش جمعیت بی‌کار نشانه‌هایی از تغییر ساختار طبقاتی جامعه است؛ تغییری که در صورت تداوم، می‌تواند پیامدهای سیاسی و اجتماعی گسترده‌ای به همراه داشته باشد. اقتصاددانان می‌گویند اگر روند کنونی مهار نشود، فقر از یک مساله معیشتی به بحران ملی بدل خواهد شد. در چنین شرایطی، سیاست‌گذاری هوشمند و شفاف در حوزه اشتغال، مهار تورم، بازتوزیع عادلانه یارانه‌ها و بازسازی نظام حمایت اجتماعی پیش از هر زسان دیگری ضرورت دارد. تنها با رویکردی جامع و مبتنی بر واقعیت‌های اقتصادی می‌توان امید داشت که روند نزولی معیشت مردم متوقف شود و شکاف اجتماعی به‌تدریج ترمیم گردد.

موضوع نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران همچنان به دنبال جابه‌جایی منابع از دارایی‌های کم‌ریسک به سمت بازارهای موازی هستند. در پایان معاملات ۴۱۱ نماد در محدوده مثبت و ۳۸۳ نماد در محدوده منفی معامله شدند که حاکی از تعادل نسبی میان عرضه و تقاضاست. این روند بیانگر آن است که بازار در برخی گروه‌ها، به ویژه گروه‌های کوچک و متوسط، با تحرکات مثبت همراه بوده و توانسته است، فشار عرضه نمادهای بزرگ را تا حدی جبران کند. در میان سفارش‌های ثبت شده در دقیقه پایانی معاملات، ارزش سفارش‌های خرید ۱ هزار و ۷ میلیارد تومان و ارزش سفارش‌های فروش ۷۳۷ میلیارد تومان بوده که برتری تقاضا نسبت به عرضه را نشان می‌دهد. تعداد صف‌های خرید و فروش دیروز نیز تغییر قابل توجهی داشته است. تعداد صف‌های خرید به ۱۲۳ مورد رسید و صف‌های فروش ۸۲ مورد ثبت شد. افزایش صف‌های خرید در برابر صف‌های فروش، به ویژه در نمادهای کوچک و متوسط، نشانه‌ای از تقویت نسبی تقاضا و امیدواری معامله‌گران به روند آتی بازار است. این شرایط می‌تواند به عنوان عاملی حمایتی برای شاخص هم‌وزن و برخی گروه‌های صنعتی عمل کند. افت جزئی شاخص کل همراه با رشد محدود شاخص هم‌وزن نشان می‌دهد که فشار فروش در نمادهای بزرگ مانع صعود سریع شاخص کل شده اما تحرکات مثبت در گروه‌های کوچک و ورود پول حقیقی می‌تواند، زمینه‌ساز بازگشت تعادل به بازار باشد.

# سرقت بزرگ

## جواهرات موزه لوور را دزدیدند

**گروه اجتماعی:** مدت‌هاست که موزه لوور در پاریس برای عاشقان هنر و تاریخ، حکم معبدی را دارد که در آن تاج و تخت پادشاهان و ملکه‌ها در کنار لبخند مرموز مونالیزا به تماشا می‌نشینند. اما درست سه روز پیش در یک‌شنبه معمولی (۲۷ مهر ۱۴۰۴ برابر با ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵) چهار مرد نقاب‌دار با نردبان کشویی و فرز آهن‌رُ به کالبد این معبد نفوذ کردند و از آن‌جه «گالری آپولون» نامیده می‌شود ۸ قطعه جواهرات شاهانه را ربودند. آنها فقط ۷ دقیقه وقت داشتند و به قول مقامات فرانسوی «یک تیم حرفه‌ای بودند که همه چیز را از قبل بررسی کرده بودند».

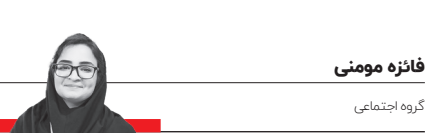
**سرقتی به سبک فیلم‌های هالیوود**

سارقان ساعت ۹:۳۰ صبح که بازدیدکنندگان تازه وارد لوور شده بودند، در کنار رود سن توقف کردند. کامیون‌شان مجهز به بالابری بود که در پاریس معمولاً برای انتقال میلمان استفاده می‌شود. آنها بالا‌بر و نردبان تلسکوبی را تا بالکن طبقه دوم کشیدند و با استفاده از ابزار برشی مثل فرز زاویه‌ای، شیشهٔ بالکن را بریدند. در این مدت، نگهبانان فقط صدای آژیرها را شنیدند و دیدند که مردان نقاب‌دار با جواهرات سلطنتی می‌گریزند. به گفته وزیر کشور فرانسه «همه چیز کمتر از ۱۰ دقیقه طول کشید». سارقان ویرین‌ها را شکستند و جواهرات را در کیف‌های ورزشی گذاشتند سپس با موتورسیکلت از محوطه موزه خارج شدند. این صحنه شبیه فیلم‌های سرقت قرن بود؛ روشنایی روز، چابکی در حرکت و جسارتی که همگان را شوکه کرد. اما مهم‌ترین بخش ماجرا؟ تاج ملکه اوژنی، همسر ناپلئون سوم، که با ۲۱۲ مروارید و ۱،۹۹۸ الماس تزئین شده بود به زمین افتاد و سارقان آن را جا گذاشتند. همچنین الماس مشهور «ریجنت» که بیش از ۶۰ میلیون دلار ارزش دارد، در ویرترین باقی ماند. این دو یادگار سلطنتی به طرز معجزه‌آسایی نجات یافتند، در حالی که ۸ قطعه دیگر سرنوشت نامعولومی پیدا کردند.

**دولت**

# پای‌بندی به مصوبه نظام

### واکنش سخنگوی دولت به ماجرای به کارگیری ۸۰ هزار نیروی آمر به معروف



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

چند روز است که فضای خبری کشور از خبر داغی پر شده است: تشکیل «اتاق وضعیت عفاف و حجاب» و به‌کارگیری ۸۰ هزار نیرو برای امر به معروف و نهی از منکر در تهران. فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، وقتی در برابر این پرسش قرار گرفت که آیا شورا‌های محلی می‌توانند مستقل‌اً درباره حجاب تصمیم‌گیری کنند به صراحت گفت که چنین تصمیم‌هایی بر عهده شورای عالی امنیت ملی است و هر مصوبه‌ای که از آن شورا صادر شود، برای همه –دولت–لازم‌الاجراست. او یادآوری کرد که به زور نمی‌توان حجاب را به مردم بازگرداند، همان‌گونه که با زور نمی‌توان آن را از سر ایرانیان برداشت. مهاجرانی در عین حال تأکید کرد که دولت برای چنین «کاره‌های ویژه» بودجه‌ای اختصاص نداده و روش مورد نظر رئیس‌جمهور بر محور مساجد و محلات است نه اقدام سخت‌افزاری سراسری. با این حال این خبر واکنش‌های گسترده‌ای در فضای عمومی را موجب شد. اعلام این طرح توسط روح‌الله مؤمن‌نسب، دبیر ستاد امر به معروف استان تهران با ذکر عددی حیرت‌انگیز – هشتاد هزار آمر به معروف و چهارهزار و پانصد مربی و ضابط قضایی – شبیه اعلام یک مانور امنیتی بود. مؤمن‌نسب گفته بود، هدف از این طرح رصد «کنش‌های دشمن» و مقابله با «اسکولاریسم و بی‌تفاوتی اجتماعی» است و تأکید کرد که این نیروها قرار است نه از طریق دوربین و خودروهای گشت بلکه با «زیرساخت انسانی و نرم‌افزاری» عمل کنند. وی از مردم هم خواست که به قراگاه «ناظران مردمی» بپیوندند.

**زمان‌سنجی اشتباه**

کشور به‌تازگی از یک جنگ ۱۲ روزه عبور کرده و جامعه بیش از هر زمان دیگر به آرامش نیاز دارد. در چنین شرایطی، ایجاد شبکه‌ای از آمران به معروف نه‌تنها هزینه‌های انسانی و بودجه‌ای سنگینی خواهد داشت بلکه ممکن است با یک رفتار تند از سوی یکی از آن ۸۰ هزار نفر، جرقه‌ای تازه به اعتراض اجتماعی بزند. آیا واقعاً با به‌کارگیری این همه نیرو، فرهنگ «عفاف» تقویت می‌شود؟ یا برعکس جامعه‌ی زخم‌خورده دوباره به چالش کشیده می‌شود؟ کسانی که طرح را به دفاع می‌گیرند، می‌گویند هدف آن، رصد و مقابله با «بی‌تفاوتی اجتماعی» و «اسکولاریسم» است. اما مخالفان می‌پرسند، سکولاریسمی که می‌کوشد

**جواهرات سرقت شده چه بودند؟**

براساس گزارش‌های رسمی، گروه سارقین مجموعه‌ای از جواهرات که به دوره ناپلئون و خاندان بوریون تعلق داشتند را برداشتند. این قطعات در جدول زیر شرح داده شده است. لوور اعلام کرده بود که مشخص نیست چه کسی این مجموعه یا‌قوت نبود و زمرد را سفارش داده است؛ فقط می‌دانیم که صاحبان آنها، ملکه‌ها و امپراتریس‌های فرانسوی بوده‌اند. سارقان ۸ قطعه جواهرات سلطنتی را از گالری آپولون دزدیدند که شامل مجموعه‌های گران‌بها از دوران ناپلئون و خاندان بوریون بود. این جواهرات که به ملکه‌های مشهور همچون ماری آملی، اورتس و اوژنی تعلق داشت شامل نیم‌تاج‌ها، گردنبند‌ها و گوشواره‌های یا‌قوت نبود، زمرد و الماس می‌شدند. از جمله این قطعات، نیم‌تاج یا‌قوت نبود با ۲۴ یا‌قوت و ۱،۰۸۳ الماس، گردنبند زمرد و الماس با ۳۲ زمرد و ۱،۱۳۸ الماس و تاج ملکه اوژنی با ۲۱۲ مروارید و ۱،۹۹۸ الماس به سرقت رفتند. همچنین گوشواره‌ها و سنجاق‌سینه‌هایی که متعلق به این ملکه‌ها و امپراطریس‌ها بودند شامل الماس‌ها و زمردهای گران‌بها بودند.

**واکنش‌ها: از سیاست تا فرهنگ**

سرقت در لوور بلافاصله موجی از واکنش‌های سیاسی و فرهنگی در فرانسه ایجاد کرد. ژوردان بارلدا، رهبر راست افراطی به سرعت از فرصت استفاده کرد تا دولت امانوئل مکرون را به بی‌کفایتی متهم کند. او در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «لوور نماد جهانی فرهنگ ماست. این سرقت تحقیر غیر قابل تحملی برای کشور ماست؛ انحطاط دولت تا کجا پیش خواهد رفت؟» کمی بعد، رئیس‌جمهور فرانسه پاسخ داد که «فرانسه این آثار را باز خواهد یافت و عاملان آن به دست عدالت سپرده خواهند شد». لورن نوئر، وزیر کشور فرانسه



نیز این حادثه را «سرقتی بزرگ» توصیف کرد و گفت که تیم عامل سرقت بسیار حرفه‌ای و آماده بوده است. او و وزیر فرهنگ رشیدا داتی وعده دادند که سطح امنیت موزه را بالا خواهند برد؛ اما بسیاری از کارشناسان متذکر شدند که بخش‌هایی از لوور فاقد پوشش مناسب دوربین و سیستم‌های حفاظتی یکپارچه است. این موضوع یادآور گزارش‌هایی است که پیش‌تر درباره فرسودگی و مشکلات ساختمانی در کاخ لوور منتشر شده بود؛ نشتی آب، ازدحام بیش از حد و نوسانات دما که حفظ آثار را دشوار کرده است.

**پاول دوروف و یک پیشنهاد جنجالی**

در میانه این آشفتگی، یک نام غیرمنتظره توجه رسانه‌ها را جلب کرد: پاول دوروف، بنیانگذار اپلیکیشن پیام‌رسان تلگرام. دوروف در شبکه اجتماعی «ایکس» (توییتر سابق) نوشت که حاضر است، جواهرات دزدیده شده را بخرد و آنها را به لوور اوبطبی اهدا کند. او تأکید کرد که «هیچ‌کس از لسوور اوبطبی دزدی نمی‌کند» و این سرقت را نشانه‌ای از «ژوال کشوری که زمانی بزرگ بود» دانست. این اظهارات، که هم‌زمان تعریض به وضعیت امنیتی فرانسه و تمجیدی از پروژه فرهنگی مشترک فرانسه و امارات است، در فضای رسانه‌ای ایران و جهان بازتاب گسترده‌ای یافت. هرچند

می‌دهند، یعنی دقیقاً در مسیر خواسته دشمنان ایران و ناآرام‌سازی کشور گام برمی‌دارند. او پرسید چرا این توان سازماندهی برای مقابله با تورم و بیکاری به کار گرفته نمی‌شود؟

**روایت‌های خیابانی**

در خیابان‌های تهران و شهرهای دیگر، مردم واکنش‌های متفاوتی به این طرح دارند. گروهی معتقدند که هیچ کشوری نمی‌تواند با قانون‌گذاری سختگیرانه، ارزش‌های دینی را در جامعه تثبیت کند و دینداری از جنس اجبار تبدیل به ریا می‌شود. گروه دیگر از این طرح استقبال می‌کنند، اما آمار و ارقام نمی‌تواند حمایت اجتماعی گسترده‌ای را نشان دهد. تجربه سال‌های گذشته و برخوردهای بعضاً خشن گشت‌های ارشاد نشان داده است که فشارهای این چنینی به‌طور معمول بر گروه‌های خاصی از جامع– به‌ویژه زنان و دختران جوان– وارد می‌شود و حس تحقیر و تبعیض را در آنها تقویت می‌کند. در جامعه‌ای که هنوز زخمی از کشته شدن مهسا امینی و اعتراضات پس از آن است هر مأمور نامربی با پوشش شخصی با دوربین در دست می‌تواند، خاطره آن روزها را زنده کند. بسیاری یادآور شدند که حتی یک رفتار تند از سوی یکی از این نیروها ممکن است کافی باشد تا «حرقه‌ای تازه به صدا درآید». به‌ویژه اینکه امروز سرعت انتشار ویدئو در شبکه‌های اجتماعی هر حادثه را در لحظه به سوز‌های ملی و حتی جهانی تبدیل می‌کند.

**نشانه‌ای از بحران سیاستگذاری**

برای فهم چرایی شکل‌گیری «اتاق وضعیت حجاب» باید به منطق نهادی نگاه کرد. ستاد امر به معروف و نهی از منکر در سال‌های اخیر در طرح‌های بحث‌برانگیزی مانند «کلینیک ترک بی‌حجابی»، «حجاب‌بان‌ها» و «قراگاه ۵۴» نقش‌آفرینی کرده است. این طرح‌ها نه‌تنها به حل مساله حجاب کمکی نکردند بلکه به شکاف‌های اجتماعی افزودند و هزینه‌های سنگینی برای دولت و جامعه ایجاد کردند. از منظر حقوقی نیز پرسش‌هایی مطرح است. اجرای طرح‌هایی که در آن شهروندان نقش ناظر و گزارشگر یکدیگر را پیدا می‌کنند به نقض حریم خصوصی و تحدید آزادی‌های فردی منجر می‌شود. صالح نقره‌دار، حقوق‌دان هشدار داده‌اند که ارزش‌های بین‌نسلی باید با روش‌های فرهنگی و افتاعی انتقال یابد و هر نوع تحقیر یا دستورالعمل‌سازی از بالا به پایین، نتیجه معکوس خواهد داشت. بسیاری از ناظران معتقدند که مساله حجاب در ایران پیش از آنکه یک موضوع فرهنگی یا دینی باشد، تبدیل به شاخصی برای سنجش رابطه مردم و حکومت شده است. هر بار که وضعیت اقتصادی یا سیاسی بحرانی می‌شود، موضوع حجاب به صدر اخبار بازمی‌گردد؛ گوی قرار است، انرژی جمعی جامعه از مسائل اصلی منحرف شود. این بار نیز تشکیل اتاق وضعیت و سازماندهی ده‌ها هزار نفر بیش از آنکه راه‌حل باشد، نشانه‌ای از سردرگمی سیاست‌گذاران است.

برخی آن را شوخی و تبلیغ می‌دانند، پیشنهاد دوروف طرحی جدید را مطرح می‌کند: آیا خریداران خصوصی می‌توانند، نقش ناجی در بازگرداندن آثار مسروقه ایفا کنند؟

**ابهامات امنیتی لوور**

لوور سابقه طولانی در مواجهه با سرقت دارد. مشهورترین مورد در سال ۱۹۱۱ بود؛ زمانی که دکوراتور ایتالیایی به نام وینچنزو پروچیا تابلوی «مونالیزا» را ربود. او که مانند کارمندان موزه لباس پوشیده بود، نقاشی را از دیوار برداشت و از ساختمان خارج شد؛ دو سال طول کشید تا اثر به موزه بازگردانده شود. در سال‌های بعد، بازدیدکنندگان دیگری نیز به آثار آسیب زدند یا آنها را دزدیدند؛ مثلاً در ۱۹۵۶ یک بازدیدکننده با پرتاب سنگ به مونالیزا، باعث جدا شدن لایه‌ای از رنگ شد و این حادثه موجب شد که تابلو در یک محفظه ضدگلوله قرار گیرد. این حوادث نشان می‌دهد که مساله سرقت در لوور پدیده‌ای جدید نیست؛ بلکه همواره یکی از نگرانی‌های مدیریت این موزه بوده است. آمارها نشان می‌دهد، لوور سالانه بیش از ۸ میلیون بازدیدکننده دارد و از نظر نیرو و بودجه با محدودیت‌های زیادی مواجه است. در حالی که مونالیزا و چند اثر شاخص دیگر در پشت شیشه ضدگلوله و با محافظت شدید نگهداری می‌شوند بیش از ۳۳ هزار شیء دیگر در سراسر موزه به صورت یکسان محافظت نمی‌شوند. این نابرابری در محافظت، فرصت مناسبی برای سارقان ماهر فراهم می‌کند. سرقت جواهرات لوور، پیامدهای وسیعی برای جهان هنر و بازار عتیقه دارد. در بازار غیررسمی، جواهرات سلطنتی به راحتی قابل فروش نیستند؛ به قول کارشناسان چنین قطعاتی با خرد و ذوب می‌شوند یا به دست مجموعه‌داران مخفی می‌افتند. این خطر وجود دارد که بریده شدن یا‌قوت‌ها و الماس‌ها در بازارهای زیرزمینی باعث نابودی تاریخ شود. از سوی دیگر، بیمه‌کنندگان و دولت فرانسه ناچار خواهند بود، مبالغ هنگفتی را برای جبران خسارات هزینه کنند. فرانسه اکنون تحت فشار است که امنیت موزه‌ها را تقویت کند. برخی از سیاست‌مداران می‌گویند باید از فناوری‌های جدید مثل هوش مصنوعی، تشخیص چهره و حسگرهای حرکتی برای نظارت بر گالری‌ها استفاده کرد. اما منتقدان معتقدند این ابزارها هم نمی‌توانند، مانع سرقت‌هایی شوند که با برنامه‌ریزی دقیق و در عرض چند دقیقه انجام می‌گیرند.

**زنان**

### تدوین دستورالعمل

### حمایت از زنان در برابر خشونت

#### معاون رئیس جمهور در امور زنان خبر داد

زهرա بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده در گفت‌وگویی اعلام کرد که دستورالعمل حمایت از زنان در برابر خشونت تا پایان پاییز ۱۴۰۴ تدوین و نهایی خواهد شد. این تصمیم در راستای پیشگیری از خشونت علیه زنان و حمایت از افراد در معرض خشونت، به ویژه زنان و کودکان، اتخاذ شده است. بهروزآذر همچنین به لایحه «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» اشاره کرد که به مجلس ارسال شده و به دلیل تغییرات ساختاری در کمیسیون اجتماعی مجلس، دولت تصمیم به بازنگری در آن گرفته است. این لایحه از زمان ارائه تا به امروز با چالش‌ها و تغییرات متعددی روبه‌رو شده است. ابتدا در دولت احمدی‌نژاد مطرح شد، سپس در دولت روحانی به‌طور جدی پیگیری و در نهایت به مجلس ارسال گردید. در کمیسیون اجتماعی مجلس، برخی از مواد حمایتی لایحه حذف دامنه جرم‌انگاری خشونت به مواردی محدود شد که دولت این تغییرات را تهدیدی جدی برای کارکرد اصلی لایحه می‌داند. حذف واژه «خشونت» و تغییرات دیگر به وضوح نشان‌دهنده این است که برخی ساختارهای قدرت همچنان از پذیرش خشونت ساختاری علیه زنان هراس دارند. منتقدان از جمله شاره عبدالحسین‌زاده، پژوهشگر حوزه زنان، بر این باورند که این تغییرات بیش از آنکه به حل مسائل زنان کمک کند به فرار از مسئولیت و تداوم نابرابری‌ها می‌انجامد. از سوی دیگر، بهروزآذر تأکید کرد که در تدوین دستورالعمل جدید، بسیاری از ظرفیت‌های موجود در دستگاه‌های اجرایی به‌کار گرفته خواهد شد چراکه بخش عمده‌ای از مفاد لایحه سابق در قوانین موجود جای دارد. اما برخی نیز این سوال را مطرح می‌کنند که آیا ایجاد دستورالعمل‌های جدید بدون اصلاحات ساختاری و تغییرات اساسی در قوانین، قادر به پیشگیری از خشونت و حمایت مؤثر از زنان خواهد بود؟ بهروزآذر معتقد است که این فرآیند یک «فرآیند تدریجی» است که نیازمند فرهنگ‌سازی و آموزش گسترده است. این فرآیند نباید فقط در حد تصویب یک قانون محدود شود بلکه باید به‌طور جامع در فرهنگ جامعه نهادینه شود. از نظر او، پیشگیری از خشونت مستلزم آگاهی‌بخشی به زنان و مردان درباره حقوق و تکالیف‌شان و مهارت‌هایی مانند حل تعارض و کنترل خشم است.

